

اخطار معلوم شود .
 سوم - قسمت انحصار سهام ایران و کمیانی اصلاح گردد که ایران هم در بورس دنیا شرکت نماید
 رئیس - (خطاب بشیروانی) فقط در قسمت اول توضیحات بدهید .
 (جمعی گفتند جلسه ختم شود)
 رئیس - پیش نهاد ختم جلسه از طرف آقای حاج میرزا عبدالوهاب شده است .
 رای میگیریم آقایانی که پیش نهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . جلسه آتیه روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر . دستور هم لایحه نفت .
 (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی
 مومن الملك
 منشی معظم السلطان . شهاب

جلسه ۴۱
صورت مشروح
مجلس یوم یکشنبه ۵ اسد ۱۳۰۳ مطابق ۲۴ ذی حجه ۱۳۴۲
 مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مومن الملك تشکیل گردید
 صورت مجلس یوم پنجشنبه دوم اسد را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند
 رئیس - نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست ؟
 (گفته شد خیر)
 رئیس - لایحه نفت از ماده ۱۱ مطرح است آقای معتمد ولی میرزا (اجازه)
 معتمد ولی میرزا - مدتی است لایحه کمیسیون بودجه تقدیم شده است راجع بپرداخت بکده و اوزدهم بودجه سال قبل برای برج سرطان از بابت حقوق ادارات و بنده تصور میکنم اخیر تصویب این لایحه اسباب زحمت و اشکالاتی بین وزارت مالیه و ادارات خواهد شد اینست که تقاضا دارم مطرح شود (و چندان هم مذاکرانی لازم ندارد) و تکلیف آن معین شود
 رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)
 رئیس التجار - بنده میخواستم عرض کنم که این لایحه بماند برای آخر جلسه
 رئیس - میفرمائید در آخر جلسه مطرح شود ؟
 (جمعی از نمایندگان بلی)
 رئیس - مغرب کمیسیون نفت حاضر نیستند ؟
 رئیس التجار - آقای سهام السلطان روز قبل هم مدافع بودند
 رئیس چون ممکن است از طرف کمیسیون اعتراض شود اینست که عرض

میکنم باید از طرف کمیسیون مأموریت داشته باشند . آقای دست غیب (اجازه)
 دست غیب - حالا که آقای مغرب نیستند خوبست همان لایحه ای که آقای معتمد ولی میرزا فرمودند مطرح شود شاید بعد هم مغرب بیاید .
 آقای سید یعقوب - خیلی تعجب است از آقای دست غیب الان صحبت شد و آقای رئیس التجار پیشنهاد کردند که بماند برای آخر این جلسه این چیز غریبی است مجلس که نباید متصل تغییر رای بدهد
 دیگر اینکه آقایان اعضاء کمیسیون نفت تماماً حاضر هستند و وقتی هم اظهار شد که آقای سهام السلطان دفاع میکنند از طرف هیچکس مخالفت نشد
 حائریزاده - بنده مخالفم
 آقای سید یعقوب - مخالفت شما اساس ندارد .
 اکثریت کمیسیون رای میدهد که ایشان مغرب باشند شما که اقلیت هستید
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - تصور نمیکنم از طرف اعضاء کمیسیون کسی مخالف باشد که آقای سهام السلطان از طرف کمیسیون دفاع کنند .
 رئیس - از طرف کمیسیون اعتراضی هست .
 شاهزاده شیخ الرئیس - بنده عرضی دارم .
 رئیس - عضو کمیسیون هستید ؟
 شیخ الرئیس - خیر عرض دارم
 رئیس - بفرمائید
 شیخ الرئیس - میخواستم عرض کنم برای اینکه سابقه نشود و مخصوصاً چند روز قبل هم این لایحه مطرح شد و در يك ماده مذاکره شد و بعد مغرب کمیسیون آمد و گفت اینطور نبوده
 بنده برای اینکه بعدها اختلافی پیدا نشود عرض میکنم هر کس را که میل داشته باشند بسمت مغرب موقت میین کنند والا اینکه اعضاء کمیسیون اعتراض دارند یا ندارند نمی شود .
 وقتی که مغرب نیست باید خود اعضاء کمیسیون يك نفر را معین کنند والا از نقطه نظر اینکه آقای سهام السلطان در جلسه قبل مدافع بوده و امروز هم دفاع کنند و بعد هم مغرب بیاید بگوید اینطور نیست این نمیشود
 حاج عزالمالك - آقای وزیر برای دفاع از لایحه حاضرند ممکن است لایحه مطرح شود و آقایان اعضاء کمیسیون بیرون رفته و فوراً يك نفر را بسمت مغرب معین کنند و بجلس پیشنهاد کنند مانعی ندارد
 رئیس - آخر پیشنهاد حاضر است و باید قرائت شود و به بینیم کمیسیون قبول میکند یا نه آقای سهام السلطان . (اجازه)

سهام السلطان - در آن ماده که حضرت والا اظهار کردند خواستم ایشان تذکر بدهم نه اینکه در اینجا شده بود بلکه آنچه مغرب گفتند این بود که در راپرت اشیاء شده و بعد هم قرار شد که در کمیسیون ترتیبی داده شود والا اینکه بنده دفاع کردم همان نظری بود که کمیسیون داشت .
 رئیس - ممکن است آقایان اعضاء کمیسیون تشریف ببرند بیرون و يك نفر را فوراً بجای مغرب انتخاب نمایند
 در این موقع آقایان اعضاء کمیسیون نفت از مجلس خارج شده پس از چند دقیقه مجدداً وارد شدند
 رئیس - آقای تدین (اجازه)
 تدین - آقای سهام السلطان از طرف کمیسیون نفت بسمت مغرب انتخاب شدند باقیه اینکه در هر موقمی که مغرب اول نیابند ایشان این سمت را خواهند داشت که از طرف کمیسیون دفاع کنند و دیگر محتاج به تجدید رای نیست .
 مدرس - سابقه نداشته است
 رئیس - غیر از این هم چاره داشتیم ؟
 پیشنهاد آقای دولت آبادی قرائت می شود .
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 چون این ماده طولانی و مطالبش خالی از ابهام نیست بملاوه اصلاحات عبارتی لازم دارد بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ مطرح شود و باین ماده بعد از اصلاحات لازمه رای بدهیم .
 سهام السلطان - چون در این ماده پیشنهادات زیادی شده بود عقیده کمیسیون این بود که آن پیشنهادات را بمانده به کمیسیون مراجعه دهند که در آن مطالعه شده بعد بجلس راپرت بدهند
 رئیس - آقای امیر حشمت (اجازه)
 امیر حشمت - بیک قسمت از پیشنهادها هست که قرائت نشده و بنده تصور میکنم يك جمله در این راپرت از قلم افتاده
 رئیس - يك مطلبی آقای دولت آبادی پیشنهاد کردند و آقای مغرب هم قبول کردند حالا در اطراف این مطلب اگر اظهاری دارید بفرمائید
 امیر حشمت - عرضم این بود که پیشنهادها قرائت شود
 رئیس - لازم نیست خوانده بشود آقای دولت آبادی توضیح دارید ؟
 دولت آبادی - خیر مراجعه شود به کمیسیون .
 رئیس - پیشنهادهایی که قرائت شده از آنهایی هم که قرائت نشده مراجعه می شود بکمیسیون ماده ۱۲ مطرح است
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۱۲ - محض اینکه بسکنه ایران

نفت (گروزیین) و بنزین (گازولین) که برای احتیاج آنها لازم است بقیمت معتدلی فروخته شود صاحب امتیاز تمهید میکند هر مقداری که بموجب کترتاهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید مشروط بر اینکه نفت مستخرجه در قطعات چهار گانه باندازه کافی و قابل تهیه مواد مذکور فوق باشد صاحب امتیاز این تصفیه را به شرط ذیل خواهد کرد
 ۱ - دولت وسکنه ایران حق خواهند داشت که در کارخانه تصفیه پادرمغز نهائی که صاحب امتیاز تأسیس کند نفت تصفیه شده (گروزیین) بنزین (گازولین) و ماژوت و نفت تصفیه نشده و سایر مواد مستخرجه از نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (امانه برای صدور از ایران) بقیمتی که حقیقتاً تمام شود بملاوه درصد از صاحب امتیاز خریداری نمایند قیمت حقیقی هر يك چایك از محصولات مذکور بمتوسط صاحب امتیاز بار عایت نکات ذیل حساب و تعیین خواهد شد
 الف - قیمت نفت تصفیه نشده و قیمت کرایه و مخارج تصفیه و مخارجی که برای فروش در ایران تعلق میگیزد و غیره ؛
 در قیمت نفت تصفیه نشده منجمه باید مخارج ذیل منظور شود
 مزد عملیات و اجزاء و مخارج - سوخت و مخارج حمل آوردن و بیمه و قسمت خرید جناس و نگاهداری اسباب و ادوات و هم چنین قیمت چیزهایی که باید ذخیره داشت ؛
 ب - کلیه مخارج ریاست و مدیریت و محاسبات و نظارت و سایر مخارج مربوطه بداره این امتیاز در ایران
 ج - استهلاك سرمایه مصروفه که در هر موقع برای خرید اراضی و تأسیسات و ملزومات و هر چیزیکه برای تحصیل و تصفیه و حمل و فروش نفت و مشتقات آن که بموجب آن امتیاز نامه تحصیل شود لازم باشد و کلیه هر مخارجی که استهلاك بر آن تعلق بگیرد احتساب استهلاك بر طبق محاسبات صاحب امتیاز از قرار صدی هفت و نیم در سال خواهد بود
 بود تا اینکه بکلی مستهلك شود .
 د - ربح سرمایه مصروفه از قرار صدی صدی هفت تا آنکه سرمایه کاملاً مستهلك شود .
 ه - هر گونه مالیات و عوارض که دوایر ایرانی از مواد نفتی که در ایران بجهت مصرف داخلی مملکت بفروش میرسد اخذ می نمایند .
 مطابق مقررات ماده ۱۶
 ۲ - قیمتی که صاحب امتیاز مطابق مقررات این ماده برای مواد راجعه به مصرف داخله ایران معین میکند از قیمتی که صاحب امتیاز در همان تاریخ مواد مزبوط حاصله از این امتیاز را در بازار دنیا میفروشد نباید زیاده تر باشد ولی هر گاه بر طبق قسمت ۵

مالیات و عوارضی مأخوذ شود بر قیمت فروش در خارج علاوه خواهد شد بهیچ است مغارچی که در خارج از ایران تامل فروش مواد مزبور تعلق می گیرد موضوع خواهد شد

تیسره - اولاً مقصود از جمله مصرف داخله ایران عبارت از مقدار نفت تهیه شده و بترین و مازوت و نفت و سایر مواد نفتی که دولت و اشخاصی متفرقه و شرکتهای و کمپانیها و هر مؤسسه دیگر در ایران مصرف میسازند و بطور کلی عموم مواد مذکور که برای رفع احتیاج اهالی ایران تقاضا شود نه آنچه که برای صدور خارج از ایران بوسیله دولت و اشخاص متفرقه منظور شده باشد.

ثانیاً از نفت چایک مقصود واحد کبلی است که عبارت می باشد از چهل و دو گالون آمریکائی بحرارت شصت درجه فارن هایت.

رئیس - آقای مستدول میرزا (اجازه)

مهندس ولی میرزا - راجع باین ماده ۱۳ که مطرح است خود بنده شخصاً هر چه فکر کردم که این ماده را بطور حساب یعنی در تحت اعداد در بیابم بالاخره پیش خود یک حساب برقم که بدانند تمام این حسابها قیمت فعلی که در مملکت بفروش خواهد رسید.

تقریباً چه میزانی خواهد بود عاجز ماندم که این حساب را بکنم و با بعضی از آقایان رفقای خودم که بکفایتی بیشتر از بنده اطلاع دارند وقتی در غالب جلسات کمیسیون هم حضور داشته اند از آنها سؤال کردم دیدم آنها هم مثل بنده هستند بنده چیزیکه قطع دارم این است که این ماده بصره اهالی این مملکت نیست و به هیچ وجه در اینجا مراعات اقتصادی که مقصود ما ماست که در این مملکت ترونی داخل شده باشد.

از ثروت اهالی این مملکت هم چیزی کاسته نشده باشد.

این ماده به پنج وجه این منظور را تأمین نمیکند اولاً بنده خیلی میل داشتم یکی از آقایان اعضاء کمیسیون در خارج روی نفع سیاه بایک کج آن حسابی را که بنده میکردم می نمودند تا مدلی میشد که این نفت با این همه شرایطی که در این جا قید شده است.

این مغارچی که موضوع میشود قیمت نفت چیست؟ بلازم وقتی در عباراتش هم در دست دقت شود چیزهایی قید شده است که انسان نمی تواند آنها را تحت عدد در بیابد مثلاً در قسمت الف می نویسد:

در قیمت نفت تصفیه نشده من جمله باید مغارچ ذیل منظور شود و در ملحقات واجزاء و مغارچ سوخت و مغارچ حمل آوردن و بوسیله و قیمت اجناس (که معلوم نیست این اجناس عبارت از چیست) و نگاهداری اسباب و ادوات

و هم چنین قیمت چیزهایی که باید ذخیره داشت) بنده اساساً نمی فهمم در یک قانونی مقصود از کلمه چیز حاجت است آنها یک قانونی که باید نامش حساب و عدد باشد حالا چیزها را در تحت عدد در خواهید آورد بنده ملتفت نیستم.

در دوره چهارم چند نفر از همکاران معترم که حالا هم هستند مخصوصاً تذکر می شدند بامتیاز نامه که حکومت چک اسلواکی کمیانی آمریکائی داده بود و مگر مواد آن امتیاز نامه را قرائت میکردند بامواد این امتیاز نامه مطابقت و مقایسه میکردند و از این مقایسه خیلی نتیجه های مفید میگرفتند من جمله همین مسئله فروش بود دولت چک و اسلواک که امتیاز خود بیک کمیانی معتبری می دهد در آنجا در مورد فروش یک فصل مختصر دارد که بنده قرائت میکنم:

فصل چهارم - فروش محصولات مقرر است که تمام نفت و سایر مواد حاصله بایستی برای احتیاجات داخلی مملکت تخصیص شود و فقط آنچه اضافه داشت حمل بخارج شود.

کمیانی متعهد است که همیشه نفت را به قیمت مناسب استخراج کند (آخره) این یک ماده خیلی ساده است و باید آید در بیچ هم ندارد.

ولی بنده این ماده که مطرح است چیزی است تسلط نمیکند نمی دانم شاید در کمیسیون توضیحات کافی داده اند ولی بنده که عضو کمیسیون نبودم و از غالب آقایان هم بطور خصوصی سؤال کردم و گفتند ممکن نیست.

از این ماده بطوری که این جا نوشته شده است سردر آورد بملامه این یک مسئله تجارتنی است کمیانی را چرا شامقایی نمی فرماید بیک تاجر داخلی و معنی خودمان که قند و یازچه وارد میکنند و در بازار می خواهد بفروشد این تاجر چه معامله با مشتری میکند؟

آیا قمر از اینکه قیمت خرید کارخانه و گریه را حساب میکند بعد صد پنج صد چهار صد و بر قسمت آنها اضافه کرده و بفروش میرساند؟

حالا اگر تاجر بازاری ما بفروشد این قبیل محاسبات را برای خودشان درست کنند مثلاً مغارچ بیلاق شلاق در شکر اتومبیل و سایر مغارچ تقنی و مغارچ شاگرد هائی که در حجره دارند اگر این ترتیب بخواهند عمل کنند آتوقت ممکن است در دکان و تجارتخانه آنها بسته شود کسی چیزی از آنها نبرد در هر صورت بنده تصور میکنم قیمت فروش نفتی که از یاد کوبه استخراج میشود و بهر یک از قطعات مملکت ما وارد میشود قیمتش از این ترتیبی در این ماده نوشته شده است خیلی ارزان تر تمام می شود.

این است که بنده کاملاً با این ماده مخالفم زیرا مقصود اقتصادی که ما داریم

تأمین نمی کند و بضرر اهالی و سکنه مملکت مانتام خواهد شد بنده تصور میکنم که اگر آقایان این ماده را بیک طرز خیلی ساده و مختصر تری درمی آورند مثل همین ماده که بنده قرائت کردم خیلی بهتر بود و مقصود از عبارات این ماده گذرد این امتیاز نامه قرائت شده است این است.

از قیمتی که برای اوتنام میشود صدی دویا صدی ۳ هم گرانتر بفروشد و با داشتن بازار نفت در نزدیکی مملکت تصور می کنند که باید اخذ قیمت راقیمت بازار باد کوبه قرار بدهیم و اگر کمیانی متعهد بشود که بایرانی بهمان قیمت بفروشد بنده تصور میکنم که نفع هم می کند و بصره ایرانی هم تمام میشود این است که بنده این ماده را بهیچوجه بصره مملکت ایران نمیدانم و مخالف هستم و اگر این ماده بگذرد نمی دانم حال مردم بیچاره این مملکت چه خواهد شد.

سهام السلطان - شاهزاده محمد ولی میرزا گویا کارلا با این ماده دقت نفرمودند و این اعتراضاتی که فرمودند هیچ وارد نیست بجهت اینکه کمیسیون آنچه را که بایستی در این ماده دقت کند حاضر است.

حضرت والا اظهار داشتند که در امتیاز نامه چک اسلواکی نوشته شده است که باید نفت را بقیمت نفت دیگر بآن مملکت وارد میشود.

بفروش برسانند اینجا تمام این مطلب را کمیسیون در این امتیاز نامه در نظر گرفته است برای اینکه در قسمت دوم این ماده نوشته شده است.

قیمتی که صاحب امتیاز مطابق مقررات این ماده برای مواد راجع بصره داخله ایران معین بکنند از قیمتی که صاحب امتیاز در همان الزام مواد مزبوره حاصله از این امتیاز را در بازار دنیا می فروشد نباید زیادت باشد این یک ماده که معین کرده است.

که از قیمت فعلی که در دنیا بفروش میرساند قیمت فعلی که در ایران بفروش میرساند زیادت باشد پس در این صورت نظر شاهزاده هم تأمین شده اما یک قسمت دیگری که منظور شده این نظر است و آنرا ملاحظه نفرمودند و آن این است که شاید فوایدی را که از نفت بیرند صدی صدی ۲۰ صدی ۳۰ باشد.

در همین قیدی که خودمان می کردیم نوشته شده است که اگر صدی شصت یا صدی هفتاد هم فایده ببرد (متناهی را که می بینند شاید خیلی زیادتر از آنچه ما فکر میکنیم باشد).

بنابر این ما آمده ایم در اینجا یک ماده نوشته ایم که کمیانی حقیقتاً آنچه که برای خودش تمام نمیشود باید بکفایت صدی صدی با اهالی ایران بفروشد البته ملحقات کار

می کنند مزد می گیرند قیمت سوخت باید حساب شود بنا بر این این ایراد ایشان وارد نیست شیروانی - راجع بکلیه چیزهایی که مغیر - حالا یکی یکی عرض می کنم.

البته مزه ملحقات واجزاء و مغارچ سوخت و مغارچ حمل آوردن و بوسیله و قیمت خرید اجناس و نگاهداری اسباب و ادوات اینها باید حساب شود و اسباب هم دو قسم است یکی اسبابی است که بطور کلی خریداری می شود این جزء سرمایه است و استهلاك می شود بکوقت هم هست که یک اسبابی در بین عمل لازم است آن اسباب باید جزو حساب سرمایه محسوب شود و غیر از قسمت سرمایه است و همچنین بعضی لوازم دیگر هست که برای کارخانه لازم میشود البته قیمت آنها را برای اشخاصیکه نفت را خریداری میکنند محسوب میکنند.

پس این قسمتها قسمتهائی است که حقیقتاً مغارچ کار است مادر این جا نوشتیم که همین مغارچی را که برای بیرون کردن و تصفیه کردن نفت مصرف میشود آنرا حساب کنیم و بعد نسبت سرمایه هم از قرار صدی هفت و نیم حق استهلاك دارد تا تمام شود وقتی که تمام شد حق برداشت ندارد فقط متناهی که باو داده میشود صدی ده است و یقین است این قیمتی که اینجا معین شده از قیمت عادلانه بازار دنیایم ارزان تر است و برای ایران خیلی بصره نزدیک تر است.

معمداً برای همین احتیاطی که عرض کردم ممکن است نفت در دنیا خیلی ارزان بشود و اگر ما دیدیم که این قیمت برای خرید ضرر دارد.

آنوقت مطابق قیمت بازار دنیا باید با بفروشید این هر دو مطلب ملاحظه شده است و گمان میکنم که هیچ قسمتی در این ماده فرو گذار نشده است.

رئیس - آقای همین موافقت؟

تدین - بلی

رئیس - آقای مشار اعظم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده همانطور که سابقاً عرض کردم حالا هم عرض می کنم که قانون باید طوری باشد که بعدها محتاج بتغییر نباشد و این قانون یک طوری نوشته شده که بعقیده بنده کمک است یک مسئله اینست که می نویسد مقصود از یک پیک واحد کیلی است که عبارت میباشد از ۴۲ هکت یا فلان

(خنه بین نمایندگان) بنده نمی فهمم یعنی چه و اگر هم تصدیق کنم تصدیق بلا تصور است اینست که عرض میکنم که قانون باید

صراحت داشته باشد و عبارتش قابل تعبیر نباشد بیک ایراد دیگر اینکه در دفاعی که مغیر کردند فرمودند استهلاك آن وجه صد هفت و نیم است تا تمام شود و بعد یک صد و دهم یک جا دارد و یک صد و هفت هم یک جا دارد و این صد هفده برای کمیانی زیاد است خوب است آقای مغیر توضیح بدهند تا رفع مخالفت بنده بشود آقای تدین (اجازه)

تدین - اعتراض اول آقای حاج باین بود که چرا این کلمه غیر فارسی نوشته شده آن کلمه گالان بود کان یک کیلی کیلی است که وزن نفت را با آن معین می کنند یکی هم چلیک است که معادل با ۴۲ کان امریکائی است ما هر چه فکر کردیم که یک کلمه فارسی برای آن بدست بیابیم اصلاحی که آن را به ما بدست نیاوردیم مگر اینکه معین کنیم چهل و دو کان چند من می شود و در بین الهالین بنویسم چهل و دو کان تقریباً چهل و دو من میشود ولی بجای کان ما می توانیم کلمه دیگری بگذاریم و ما آن قسمت راجع بصد هفت و نیم بنده درست ملتفت نشدم که مقصود آقا چیست و فقط ایشانرا ارجاع بیدهیم بقسمت اخیر این ماده قسمت ج ود

که یکی قسمت استهلاك سرمایه است و یکی قسمت ربح سرمایه

یک شخص که سرمایه میکند در برای اینکه مصرف کند باید تنها سرمایه اش را استهلاك کند باید هم سرمایه اش را بگیرد کند و هم خرج سرمایه اش را بگیرد در قسمت اینکه میفرمایند چر صد هفت و نیم بود آقا راجع به بنده هم با قانونی که از در کمیسیون صد هفت و نیم قرار دادیم و این نفع ماست برای اینکه صد هفت و نیم مستلزم این است که در برتر مستهلك شود ولی وقتی که صد دوازده و نیم بود سرمایه زودتر مستهلك میشد و ناچار باید متعنت زیادت روی قیمت نفت بکشد ربح سرمایه هم از قرار سالی صد هفت است و خیلی هم رعایت شده و در کمیسیون دقت شده است و می خواهم یک اشاره هم بکنم به اظهارات شاهزاده محمد ولی میرزا که ایشان اظهار کردند آن ماده که در امتیاز نامه چک و اسلواک نوشته شده بهتر از این است خوب است این جا هم همان طور خلاصه نوشته شود جواباً عرض میکنم این طور نمی شود نوشت و خیلی فرق دارد برای اینکه معان و مملکت چک و اسلواک مثل مال ما مجهول نیست معلوم معلومی هست که سابقاً استخراج میشد و حالا میخواهند به اشخاص دیگری بدهند که نفت را از آنجا استخراج کنند بنابر این این معادن با معادن نفت شمال ما که هنوز تحت الارض است و هنوز از حد کیمت پر ما مجهول است و نباید در کیمت

نفت از این معادن برای ما بیرون می آورند که آیا قابل تجارت باشد یا نباشد فرق دارد دیگر اینکه یک عبارت آنجا دارد که خودشان قرائت کردند که نفت را باید به قیمت استخراج بفروشید این قیمت استخراج به قدری مجمل است که ممکن است همه چیز را در آن داخل کرد ما هم برای اینکه وقتی کمیانی قیمت نفت را معین میکنند دچار مشکلات نشویم باین معنی که کمیانی نگویند که فلان مقدار خرج شده است باید بروی قیمت نفت کشید و دولت بگوید بنده نباید کشید تمام خرجهایی که مقصود است در این جا قید شده است و کمیانی حق ندارد پیش از آنچه که در این ماده قید شده است خرجی را منظور بدارد و بروی قیمت نفت بکشد پس بنا بر این اگر ما میخواستیم آن ماده که ایشان در امتیاز نامه چک و اسلواکی خوانده اند در اینجا هم قائل بشویم بضرر ما تمام میشود این بود که این ماده را اینطور بنویسیم:

در خانه هم عرض میکنم که نفت مادام که استخراج نشده است و در معدن تحت الارض است هیچ قیمت ندارد و این قیمتی که باو تعلق میگردد از نقطه نظر مغارچ است و یک کمیانی هر خرجی را که برای استخراج نفت متحمل میشود ناچار است روی قیمت نفت بکشد و این را نمیشود مقایسه کرد با فلان تاجر که مزد دفتر دار و منشی خود را روی قیمت جنس نمیکشد به همین جهت است که زود بزود ورشکست میشود تاجر عبارت از آن کسی است که وقتی تجارت میکند من حیث المجموع تمام مغارچ آنرا منظور و روی سرمایه میکشد بعد بفروش میرساند وقتی که این ترتیب رعایت نکرد ورشکست میشود چنانکه در مالک دیگر همه چیز را رعایت میکنند

رئیس - آقای اشگر (اجازه)

اشگر - قبلاً لازم است توضیحی عرض کنم که این امتیاز دو جنبه دارد یک جنبه سیاسی و یک جنبه تجارتنی راجع بآن جنبه اولی با قبول کلیات آن موضوع گذشته است فقط در مواد بایستی موضوعات تجارتنی رعایت شود ما با کمیانی می خواهم یک معامله بکنیم و البته بایستی این معامله یک طوری باشد که هم او فایده ببرد و هم مملکت ایران و البته تکلیف ما این است که حتی المقدور سعی کنیم که بصفمت مانتام شود چون ما که نماینده کمیانی نیستیم ما نماینده مملکت خودمان هستیم و بایستی نفع مملکت خودمان رفتار کنیم.

این ماده که اینجا نوشته شده بطور کلی همچو میرساند که برخلاف کلیه اصول تجارت دنیا است چون هیچ تاجری چنین معامله نمیکند که هم سرمایه اش را استهلاك کند و هم از بابت متاع سرمایه اش صدی هفت بگیرد و هم مغارچی که برای استخراج نفت میشود آنرا هم موضوع بکند به

صدی ده یعنی دمیگ هم منفعت بگیرد اساساً این معامله در دنیا هیچ سابقه ندارد و اما راجع بانها هم این ماده خیلی بیچ که هیچ چیز از جملات و عبارات این ماده را نمیشود ملتفت شد اینست که آنچه بنظر میرسد عرض میکنم در اینجا قبل از اینکه بقسمت اول شروع کنیم می نویسد (صاحب امتیاز تمهید میکند هر مقداری که بوجوب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید مشروط بر اینکه نفت مستخرجه در قطعات ۴ گانه بانماز کافتی و قابل تهیه مواد مذکور فوق باشد)

اگر چه از یک طرف ممکن است این معنی را برسانند که این تمهید صاحب امتیاز برای دادن نفت به سکنه ایران و برای مصارف داخلی ما موقعی خواهد بود که نفت بقدر کفایت استخراج بشود ولی مفهوم مخالفت این است که اگر نفت بانماز کافتی استخراج نشد معارض نیست تکلیف چیست؟

آیا باید آنچه که استخراج شد تصفیه را بایرانی بفروشد یا کمتر یا بیشترش را و بقیه را بخارج حمل کند و عبارت ماده این معنی را درست نمیرساند.

چون این یک اصلاح عبارتنی است این را بنده چندمان اهمیت نمی دهم ولی یک چیزهایی در این ماده نوشته شده که بعقیده بنده هیچ قابل قبول نیست اگر بنا باشد که کمیانی در این جا سرمایه مصرف کند سودش را بنرخ صدی هفت بگیرد.

در صورتیکه در همه دنیا تنزیل پول صد هفت شده است و برای زحمانی که بجهت استخراج نفت میکشد اجرت بگیرد آن وقت صدی دهی که بعنوان منفعت بگیرد بچه دلیلی بایستی روی قیمت نفت کشیده شود.

بنده این را نمی فهمم اگر بکنم از آقایان معترم بخواهند از کسی بولی قرض نمایند البته در مقابل فرعی را بدهند آنچه که در اروپا معمول است فرعی پول از صدی ۴ و صدی ۵ هم تجاوز نمیکند و حالا برای کمیانی صدی هفت قرار داده اند آیا بعد از آنکه اصل پول را رد کردند و حق از حشمت را هم دادند و خرج منشی و نوکرش را هم دادند آن وقت صدی ده هم علاوه دادن مفهوم ندارد در قسمت یک یک چیزهایی نوشته شده که بنده خواهم میکنم آقای مغیر محترم توضیح بدهند مثلاً می نویسد بتوسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تمین خواهد شد این یک اصل کلی است که می نویسد باید بتوسط صاحب امتیاز معین شود البته وقتی در این معاملات یکی طرفی شد نمیتوان بصفت آن اعتماد کرد اگر بنا باشد یک طرف معامله خودش صورت حساب بدهد بدون اینکه انسان یک حق تقییش و رسیدگی داشته باشد

البته طبعاً بضرر طرف دیگر تمام خواهد شد اینجا ما یک معامله سابقاً کرده ایم که همه ماها داریم از این حیث تحمل می کنیم باید برای ما یک تجزیه باشد که در این یکی دیگر گرفتار نشویم الان بطور مثل یک مرضی می کنیم هستند یک اشخاصی که می گویند اختلاف حسابهایی در موضوع نفت جنوب بین دولت و کمیانی هست و بنده هم سؤال کرده ام ولی هنوز جواب داده نشده و حاضریم که مدلل کنیم که اختلاف حسابهایی هست اینجا می نویسد (بتوسط صاحب امتیاز حساب شود) و هیچ حقی با داده نمیشود که در این حساب کمیانی یک تقییشانی بکنیم و بهیچ آیین حساب صحیح است بنا بر آنرا که قائل هستند که ما یک حقی داریم برای اینکه حساب کمیانی را تقییش کنیم اصلاً بایستی ذکر میشد با اطلاع مفتش یا مأمور دولت ایران که دیگر جای هیچ سوء تفاهمی باقی نماند.

جزه این حسابها اینکه نوشته شده است کمیانی تمین خواهد کرد یکی قیمت نفت تصفیه نشده است بنده خیال می کنم مقصود از قیمت نفت تصفیه نشده این است که وقتی چاه را زدند و نفت بالا آمد آنرا می خواهند با محاسب کنند در صورتیکه بخارج بزدن چاه و مزد حفاری و مغارچ اداریش را حساب کرده دیگر آن نفتی که بیرون می آید مال دولت ایران است و کمیانی باید یک حقی بگیرد تصدیق فرمائید وقتی بنده کمیانی ربح سرمایه اش را بگیرد در مدت معینی هم سرمایه اش را استهلاك کند مزد عملیاتش را بگیرد و تمام مغارچ را حساب کند دیگر نفت نوبی زمین را که هنوز تصفیه نشده آیا باید با ما قیمتش را هم حساب کند؟ بنده این را نمی فهمم یعنی چه؟ دوم قیمت گریه در قسمت اول آمده می نویسد که صاحب امتیاز تمهیدی کند هر مقداری که بوجوب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید تا آنجا تا کمی می نویسد دولت کارخانه تصفیه را در مغز نهایی که صاحب امتیاز تأسیس کند نفت تصفیه شده (کرورین) بنزین (گازولین) و مازوت و نفت تصفیه شده و سایر مواد مستخرجه از نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (اما نه برای صدور از ایران) بقیمتی که حقیقتاً تمام بشود و بملامه در صد از صاحب امتیاز خریداری نمایند بنده نمیدانم که بنده ما در عمل تصفیه بخواهیم نفت را خریداری کنیم این گریه مال کجاست؟ گریه در صورتی است که نفت را کمیانی از عمل استخراج بیابود بولایات و در آنجا بخواهد بفروشد و گریه اش را حساب کند و عیبی است وقتی مغارچ اوله

و غیره را با ما حساب میکنند دیگر گریه موضوعی ندارد .
 قسمت دیگر مخارج تصفیه و معارجی است که برای فروش در ایران تعلق میگیرد و غیره -
 این راهم بنده نمیفهمم وقتی بنا شد در محل تصفیه نفت را برای این فروش در مخارج دارا شده تا موقع فروش بخواهد حساب کند دیگر مخارج فروش چیست در جای دیگر مینویسد قیمت خرید اجناس و نگاهداری اسباب و ادوات اینها را باید روی فروش نفت کشید بنده مخالفم اگر کسی بخواهد يك خروار نفت بفروشد میتواند این چیزها را حساب کند که از اول تا حالا پنج میلیون ونهصد و نود و سه هزار و یک رگسری خرج کردیم و صد هزار خروار نفت بیرون آوردیم و نسبت باین يك خروار شما فلان مبلغ تعلق میگیرد .
 کیست که این حسابها را بکند همین طور مخارج نگاهداری اسباب و ادوات اسبابی که در کارخانه هست برای این است که نفت را بیرون بیاورند و خود این یک نوع مخارجی است که برای استخراج نفت تعلق میگیرد و حساب میشود دیگر مخارج نگاهداری این آلات و ادوات چیست ؟
 بنده مخالف هستم و میخواستم بپرسم بچه دلیل باید چیزهایی که اودخیره میکنند بحساب بیاورد ؟
 بنده شخصاً مه تمام که هر قدر يك معامله روشن تر باشد البته ضررش کمتر است و مورد اختلاف کمتر پیدا میکند فراد است که مذاکراتی نیست که باید جزو ذخیره نگاه داشت علی هذا بنده لازم نمیدانم قیمت نگاه داری اشیا اینکه در ذخیره میخواهد نگاهداری کند روی قیمت تعلق می بخورد بنا بر این حساب کند برای اینکه چیزی را که ذخیره میکند قیمت محفوظ است و وقت فروش قیمت آن سرچایش است و حق ندارد قیمت قیمت آن را روی نفی که بنام میفروشد حساب کند ممالک اگر باشد يك چنین تعبیری را قبول کنیم که باید احتیاطی که در تحت ذخیره نگاهداری بشود در اینجا ذکر بشود باید معلوم شود این اشیا چیست و اگر تمام آنها در اینجا اسم برده نشود ممکن است همه چیزها بنام این که لازم است ذخیره بشود وارد کند و پولش را هم از خودمان بگیرد دیگر اینکه در اینجا مینویسد (کلیه مخارج ریاست و مدیریت و معامبات و نظارت و سایر مخارج مربوطه با اداره این امتیاز در ایران) این هم جزو قیمت نفی که بنا فروخته میشود باید حساب شود ؟
 بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند مثلاً در روز پنجم برج بنده میخواهم دو خروار نفت بخرم در روز پنجم برج این مخارج را حساب کند مثلاً مدیر آن قدر منشی آن قدر و تا بحال آن قدر لوازمات خریده ایم

علیهذا از کلیه نفت که استخراج شده این دو خروار که شما میخواهید بفروشید اینقدر مخارج بآن تعلق میگیرد که باید بکشید روی قیمت آن این حساب قطعاً درست در نیاید غلی الغصوص که حسابش هم چنانکه در فوق عرض شد کمپانی وا گذار شد تدین - اینطور نیست اخگر - (بند حقیقی هر يك چلیک از محصولات مذکور به توسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تعیین خواهد شد)
 تدین - تبصره يك ماده ۱۲ را بخوانید اخگر - بنده با عبارتی سرو کار دارم که در اینجا دارد مذاکره میشود اگر يك عبارت مبهمی در اینجا باشد و بعد در بازنده ورق دیگر عبارت روشن باشد رفع این ابهام را نمیکند در اینجا هم که احتساب و استهلاك میکند باز مینویسد (بر طبق معاسبات صاحب امتیاز) و در اینجا ذکر نمی شود که دولت ایران هم حق نظارت در این معاسبات دارد بنا بر مثل عرض میکنم که صدی بیست سهام کمپانی نفت جنوب مطابق اطلاعاتی که دارم متعلق به دولت انگلیس است برای همین قسمت صدی بیستش يك اداره معاسبات کاملی دارد در کمپانی نفت . . .
 يك نفر از نمایندگان - صدی پنجاه و يك .
 اخگر - يك اداره معاسباتی کمپانی دارد یکی هم دولت انگلیس برای اینکه اختلاف حساب پیدا نشود ولی ما که صدی سی از سهام این نفت را داریم نمیدانم چرا نباید يك اداره معاسبات برای تقشش در حساب داشته باشیم که از حساب کمپانی مطلع باشیم و باید معاسبات مربوط به صاحب امتیاز باشد این هم بضرر ما تمام میشود به علاوه بنده ربح سرمایه را (با وجود اینکه هر چه نفت استخراج شود مخارج آن جزو قیمت نفت حساب میشود و صدی ده هم علاوه منفعت می طلبد) صدی هفت زیاد میدانم یا اینرا باید کسر کند یا آن صدی ده یعنی ده يك منفعت اضافی را باید کسر کند
 اینجا وقتی درست حساب کنیم باید توضیحاتی که در آخرش هست و عرض می کنم خلاصه اش این میشود همانطور که الان در معمره نفت گرانتر است از بصره همانطور هم مادر ایران با این شرایط نفت را گرانتر از سایر جاها خواهیم خرید اینجا ذکر میشود که قیمت نفی که در ایران بفروش میرسد از قیمت نفی که در بازار دنیا بفروش میرسد نباید زیاد تر باشد اولاً بازار دنیا کجای بازار دنیا معلوم نیست استرالیا آن طرف آمریکا چین یا کجا است ؟
 علاوه اگر يك اروپائی یا چینی یا سیامی میخواهد نفت بخرد همانقدر باید پول بدهد که ایرانی نفت مال خودش است

ایند بدهد ؟
 این انصاف است فقط چیزیکه هست در آنجا مخارجی را که در خارج کورن از ایران به آن تعلق میگیرد کسر کرده اند و البته از اینجا باید گریه بدهند بپرند بیرون بفروشد ولی چه دلیل دارد اهالی ایران باید همان قیمت نظر آخر بدهاری کنند که استرالیا یا در استرالیا میگذرد ؟
 در صورتیکه فقط مال وطن او نیست البته باید در اینجا يك توفیر قیمتی مراعات بشود برای ایرانیها در اینجا هم که آقای حاج میرزا عبدالوهاب اظهار فرمودند که چرا فارسی نوشته شده بعضی آقایان اکثریت ملت ایران است مردم نمی توانند اول بیرون در آمریکا پنج سال تحصیل کنند و کالون را یاد بگیرند بعد بیایند نفت بخرند دلیل ندارد مملکتی که زبان رسمی دارد نوشته نشود و زبان خارجی نوشته شود مادر مقابل این لفظ يك نمتی نداریم باید افلا درین برانتر معین بکنند که این کالون چه قدر میشود چندین . چند سیر . چند مثال بنویسند آمریکا که خودش بلد است چه قدر میشود ایرانی بداند که هر وقت میخواهد نقطه بخرد این کالون چه قدر است بنده آنچه بنظر رسید برای ادای وظیفه نسایندگی عرض کردم حالا پذیرفته میشود بهتر می خواهند هم آقایان بیایند مخارجند .
 مغیر - ایرادات مفصلی که آقای اخگر فرمودند بنده هم را با داشت کردم که یکی یکی جواب بدهم لیکن بطور کلی يك اعتراضی کردند که قبلاً آن را جواب می دهم و بعد جواب ایرادات را عرض میکنم تصور میکنم يك اشتباهی برای ایشان حاصل شده که این ترتیب و مقرراتی در این امتیاز نامه شده است و يك تمهیداتی است که بطور تقابل بین دولت و ایران و کمپانی مقرر شده است گویا همچو تصور کرده باشند که این الزامات مربوط به معاملات افراد مردم هم با کمپانی در خرید و فروش فقط هست که اگر مثلاً در اینجا وزن چلیک باسم کالون نوشته شده است معلوم کنند یعنی چه که ایرانی که میخواهد فقط بخرد از روی کالون نفت بگذرد .
 خیر آقای کالون يك اصطلاحی است که در اینجا ذکر شده برای اینکه بین دولت ایران و کمپانی امتیاز گیرنده يك قاعده کلی مقرر شده باشد که او از روی ماخذ معینی معلوم شده باشد و این هیچ مربوط با افراد مردم نیست این یکی یکی دیگر آنکه اگر گفته میشود فلان قدر روی حساب بیاید برای تعیین ماخذ قیمت نقطه متعلق فلان اداره یا مدیر یا شرح دیگر تصور میفرمایند که خریدار يك من و نیم فقط باید تمام حسابها را برایش بکنند برای اینکه معین بکنند که قیمت يك من و

نیم فقط قدر است خیر اینطور نیست .
 حالا یکی یکی جواب عرض میکنم ولی بطور کلی عرض میکنم این را نباید فراموش کرد که این مقررات و الزامات و این تمهیدات يك چیزی است که مابین دولت ایران و کمپانی و يك قسمت صدها آنها يك چیزهایی است که ابتدا مربوط به معاملات خصوصی افراد و مغزها و دکانها یا نماینده کمپانی نخواهد بود .
 در قسمت اول این ماده اعتراضی داشتند باین عبارت (هر مقداری که به موجب کتتراتهایی خرید تقاضا بشود در ایران تصفیه شود مشروط بر اینکه نفت مستخرجه در قطعات چهار گانه باندازه کانی و قابل تهیه بود مذکور فوق باشد) اینجا اعتراض کردند و درست هم ملتفت نشدم اعتراضشان چه بود ولی شاید یکی از این بخرند دلیل ندارد مملکتی که زبان رسمی دارد نوشته نشود و زبان خارجی نوشته شود مادر مقابل این لفظ يك نمتی نداریم باید افلا درین برانتر معین بکنند که این کالون چه قدر میشود چندین . چند سیر . چند مثال بنویسند آمریکا که خودش بلد است چه قدر میشود ایرانی بداند که هر وقت میخواهد نقطه بخرد این کالون چه قدر است بنده آنچه بنظر رسید برای ادای وظیفه نسایندگی عرض کردم حالا پذیرفته میشود بهتر می خواهند هم آقایان بیایند مخارجند .
 مغیر - ایرادات مفصلی که آقای اخگر فرمودند بنده هم را با داشت کردم که یکی یکی جواب بدهم لیکن بطور کلی يك اعتراضی کردند که قبلاً آن را جواب می دهم و بعد جواب ایرادات را عرض میکنم تصور میکنم يك اشتباهی برای ایشان حاصل شده که این ترتیب و مقرراتی در این امتیاز نامه شده است و يك تمهیداتی است که بطور تقابل بین دولت و ایران و کمپانی مقرر شده است گویا همچو تصور کرده باشند که این الزامات مربوط به معاملات افراد مردم هم با کمپانی در خرید و فروش فقط هست که اگر مثلاً در اینجا وزن چلیک باسم کالون نوشته شده است معلوم کنند یعنی چه که ایرانی که میخواهد فقط بخرد از روی کالون نفت بگذرد .
 خیر آقای کالون يك اصطلاحی است که در اینجا ذکر شده برای اینکه بین دولت ایران و کمپانی امتیاز گیرنده يك قاعده کلی مقرر شده باشد که او از روی ماخذ معینی معلوم شده باشد و این هیچ مربوط با افراد مردم نیست این یکی یکی دیگر آنکه اگر گفته میشود فلان قدر روی حساب بیاید برای تعیین ماخذ قیمت نقطه متعلق فلان اداره یا مدیر یا شرح دیگر تصور میفرمایند که خریدار يك من و نیم فقط باید تمام حسابها را برایش بکنند برای اینکه معین بکنند که قیمت يك من و

اما در کجا است در امان زمین است و چندین قرن است که هست و ممکن است چندین قرن دیگر هم باشد کسی میتواند بگوید این نفت مال من است که خودش بیرون بیاورد یا اینکه اگر دیگری آمد در آورد آن وقت مصادف میشود با همین قضا و محارح دارد این هم یکی از مخارج است
 در اینجا در قسمت الف نوشته است (قیمت نفت تصفیه نشده قیمت گریه - مخارج تصفیه و معارجی که برای فروش در ایران تعلق میگیرد (و غیره) و در قسمت دوم بعد از الف آن را توضیح میدهد که قیمت نفت تصفیه نشده چه چیز است (من جمله باید مخارج ذیل منظور شود)
 مزد عملیات) همان خرجی که شما میگوئید باید مزد عملیاتش را باید داد (مخارج سوخت) که برای سوراخ کردن زمین و رسیدن به نفت این مخارج سوخت لازم است (و مخارج حمل آوردن و بییه و غیره) تمام اینها مخارجی است که اسم برده شده برای توضیح دادن و تعیین کردن اینکه قیمت نفت در زیر زمین چیست بالاخره همان است که شما میفرمایید اینها مخارجی است که ما باید بدهیم و او باید بکنند تا این که که این نفت را از اصناف زمین بیرون بیاورد پس يك چیز اضافی و علاوه به موجب این ماده به موجب این ماخذ نیابستی بگیرد باز پشت سرش وقتی صحبت گریه میشود .
 آقای اخگر میفرمایند یا مخارج تصفیه یا مخارجی که برای فروش در ایران تعلق میگیرد .
 اینجا نباید دو چیز را فراموش فرمایند یکی این است که کلیتاً در این حساب عرض و طول و وسایلی که با کمپانی خواهیم داشت آیا با وسایل تأمین خاطر خودمان و اعتماد کردن به نتیجه این فرمایشات از هر راهی که میخواهد باشد یا از راه نظارت یا از راه کنترل یا از راه رسیدگی به معاسبات یا از راه اطمینان باشخص از هر راه و طریقی که میخواهد باشد باید به بنیم کدر اول ما میتوانیم وسایل اطمینان و اعتماد را پیدا کنیم یا نه ؟
 اطمینان حاصل کنیم که قافله ما با بشر لنگ است و نه فقط در این قسمت بلکه از اول تا آخرش در همه جا ما دوچار همین مغصه خواهیم بود و اما اگر توانستیم اطمینان پیدا کنیم سهل است البته وقتی گریه نداشت حساب نمیکند علاوه شما میگوئید این مغز که ممکن است در طهران باشد یا در خراسان یا در شیراز و محل تصفیه در انزلی تا محل معزن برسد گریه ندارد ؟ اگر نداشت نمی گید تمام اینها که اینجا نوشته شده فرع معاسبه فرغ رسیدگی فرغ توافق نظر در حقیقت امر است . در ضمن مذاکره آقای تدین بجناب عالی

تذکر دادند که تبصره يك ماده بعد را ملاحظه فرمایند که فرمودید در يك موقع يك عبارتی که برای من مبهم باشد توضیحی که در بعد باشد کافی نیست این جاد و اشتباه است یکی اینکه در این موضوع باختصاص که معاسبه باشد جایش اینجا نیست در يك قانونیکه بسی ماده دارد و مسائل هم پیچیده دارد در هر ماده که نمی شود تمام مسائل را تکرار کرد باید در نظر گرفت که این بیست و هشت ماده تمام بهم متصل است و مثل حلقه های زنجیر بهم اتصال دارند تا تمام حلقه ها بهم متصل نشوند این زنجیر تشکیل نمیشود اگر يك حلقه از آنها در برود آن زنجیر پاره است و نمیشود که يك ماده را درش نظر کنیم و بگوئیم که فلان معایب را دارد در صورتیکه در چهار ماده بدرفع شده باشد مخصوصاً ملاحظه فرمایند بنده مقدم این عبارت را برایتان بفرموانم مینویسد :
 در تبصره (۱) ماده (بند) مشروط بر اینکه مخارج موجه و صحیح باشد نباید برای مخفی داشتن منافع واقعی قلمداد شده و بلکه برای حسن اداره امتیاز لازم باشد .
 در هر صورت دولت ایران حق تام و غیره محدود خواهد داشت که تمام معاسبات و دفاتر کمپانی یا شرکتهای فرعی آنها را رسیدگی و تقشش نماید)
 این را ببینید خیلی صریح است به علاوه يك قدری دورتر که ملاحظه فرمایند خواهد دید که ما يك ماده داریم که در آن ماده برای دولت ایران قائل بداشتن مدیر در هیئت مدیره شده اند چه را برای اینکه این دقتها یک ملاحظه میفرمائید بنده برای همان تجربیات نفی است که جناب عالی فرمودید البته این تجربیات تلخ را کسی منکر نیست ولی تصدیق میفرمائید با در نظر گرفتن آن موجبات سعی شده است حتی القصد و این امتیاز در آتیه موجب اعتراض نشود ماعقبه کرده ایم خودمان را و کمپانی را اینکه يك مدیر هائی در هیئت معیره داشته باشیم برای چیست ؟
 برای اینکه تمام تقششات و تمام معاسبات بر میگردند به آن هیئت مدیره وقتی که ما در آنجا يك نماینده گانی داشته باشیم يك نظارت معینی هم نه فقط در موقع صدور امر بلکه حق تقشش در امور و معاسبات را هم داریم و این يك نظارت دائمی است که بواسطه داشتن مدیر در همه موافق و در موقع صدور امر و دادن دستور العمل در آن هیئت مدیره داریم حال این هارا کنار می گذاریم باز آقای اخگر وقت فرمایند در خود همین عبارت می گوید (ب توسط صاحب امتیاز) همین عبارت را که شما این قدر اعتراض فرمودید درست ملاحظه فرمایند

(ب توسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تعیین خواهد شد)
 این یعنی چه ؟
 معنی این است که صاحب امتیاز هر چه نوشت ماقبول کنیم ؟ اگر شما از این عبارت فارسی این استنباط را می کنید حقیقتاً بنده فارسی نمیدانم ملاحظه فرمایند صاحب امتیاز (یعنی چه ؟) دفتر که درست من و شما نیست دفتر در اداره آنها است ناچار باید حساب ب توسط آن آنها داده شود ولی اینجا که مینویسد (با رعایت نکات ذیل تمام میشود اینست که صاحب امتیاز مطابق این نکات ذیل حساب خواهد کرد .
 ثانیاً این (حساب و تعیین خواهد شد) يك طرفی که نیست دو طرف دارد اگر يك طرف بود مینوشت صاحب امتیاز صورت خواهد داد یعنی خود این عبارت بدون این که ما میخواهیم آن را نزدیک کنیم تبصره يك یا مواد دیگری که داریم بقیه بنده فی حدفیه خودش کاملاً کافی است از برای اینکه اعتراض جنابعالی را وارد ندانند .
 اینجا يك مسئله را فرمودند که بنده اختصار عرض کنم دوسه مرتبه راجع به ربح اروپا فرمودند که صدی چهار یا صدی پنج است و صدی هفت می دهم این را باید يك قدری نگاه کرد به مقتضات روز و نمیشود متوسل شد بيك قسمت از تاریخ دنیا بلی شاید قبل از جنگ در اروپا و امریکادر ۱۹۰۶ ربح صدی چهار تا پنج بود ولی امروز نیست و بر اثر يك اتفاقی که افتاده است دول معظم مثل فرانسه و انگلیس فروش دولتی که میخواهند و ربحش صدی هفت تا صدی هشت است پس ما نمیتوانیم بگوئیم که همان صدی چهار حالیه هم باشد حالا ممکن است دوسال دیگر دوباره بر گردد به صدی پنج البته امید داریم حوادث دنیا بری خیر بشری طوری بشود که به صدی پنج بر گردد ولی فعلاً این صدی هفت نرخ خیلی نازل و متوسطی است .
 راجع صدی ده که علاوه ر ربح استهلاك صدی ده نفع روی قیمت نفت کشیده میشود این را یکی از آقایان گویا آقای تدین بفرمودند جواب دادند و بنده تکرار نمیکنم فقط عرض می کنم فراموش نباید کرد که سرمایه برای نفع بردن است و اگر فقط میخواهد ربح سرمایه اش را بخوردش را بخاطر صنعتی نمی انداخت این است که علاوه بر آن ربح سرمایه اش يك منافع دیگری هم باید ببرد منتها ما آمدیم آن نفع را محدود کرده ایم و العمل در آن هیئت مدیره داریم حال این هارا کنار می گذاریم باز آقای اخگر وقت فرمایند (ب توسط صاحب امتیاز) همین عبارت را که شما این قدر اعتراض فرمودید درست ملاحظه فرمایند

که در دوره چهارم در اینجا خاطر هست که ما حساب کردیم و يك حسابی را ماخذ گرفتیم البته با آن نداشتن وسایل و فقدان متخصص نمی توانید يك حسابی را قلمی بکنیم .
 ولی تقریبی بنظر ما رسید که قیمت نفی که در معمره و عبادان بفروش میرسد نفی صدی ده که سهل است بلکه صدی چهل و پنجاه هم بیشتر است پس اگر ما آمدیم و خواستیم محدود بکنیم يك صدی ده از برای این بوده .
 حالا آن حساب صحیح باشد یا نه تقریبی باشد ولی مسلم است که ماخذ و میزانی در دست ما نیست که آیا این منافع چقدر است صدی صد است یا صدی و بیست است بهر حال برسم عادلانه این صدی ده منافع را بکسی باید داد که سرمایه می دهد .
 اما قیمت بازار دنیا را که نوشتیم برای این است که ممکن است در دنیا يك اتفاق دیگری رخ بدهد که در قیمت نفت مؤثر باشد و ممکن است يك وقتی کمپانی از نقطه نظر سیاسی یا از نقطه نظر تجاری و نظریات دیگر نفت را خواست بشود و بشود یا ممکن است يك رقابت هائی بیاید که نفت در دنیا بقدری زیاد بشود که بکلی از قیمت و قدر بیفتد و علاوه يك ترتیب دیگری که فعلاً فکر ما حاکم به آن نیست و اختیار آن هم درست ما نیست ممکن است بیش بیاید و خیلی ارزان بشود ما خواستیم کاری بکنیم که اگر همچو وقایعی که ایداً درست ما نیست اتفاق افتاد ما برای مملکت و ملت خودمان از آن وقایع استفاده کرده باشیم که اگر چنین اتفاقی افتاد ما دیگر آن صدی ده را هم نباید بدهیم زیرا وقتی که فرادادیم يك صدی ده نفع بدهیم علاوه بر ربح و استهلاك برای این است که یاو بگوئیم این نفی را که ما می خریم از آمریکا دارد با باید ارزان تر باشد اگر آنجا ارزان تر شد آنوقت توهم باید ارزان تر بدهی این را هم که گفتند بازار دنیا کجا است ؟ استرالی یا ژاپون است .
 وقتی که گفته شد بازار دنیا معلوم است و اروپائی يك ماخذی دارد يك نقطه باختصاص بازار دنیا نیست و وسطی دارد پس این هم اشکالی ندارد .
 دیگر چیزی در یاد داشتیم نیست که فرموده باشند روی هم رفته گمان میکنم این توضیحات کافی بود ولی باز تمنا دارم که آقایان این قسمت را خوب به خاطر داشته باشند که يك الزاماتی اینجا هست که مربوط است باختصاص به مقررات بین دولت و کمپانی و هیچ نباید فرض کنیم که مردم گرفتار این خواهند بود که باین معاسبات گرفتار شوند

و هیچ اینطور نیست بل کمیته کیبانی بعد از اینکه خودش حساب کرد و رویش نقش میگذارد این جزئیات برای این است که دولت برود در دفتر او تفتیش کند و ببیند آیا مطابق با تعهدات میکند یا نمیکند اگر نمیکند او هم تصدیق نمیکند و اگر تصدیق نکند البته کمیته منافش در خطر است و البته بنده هم تصدیق میکنم که هیچ وقت نمیشود در سر یک دکانی یا یک مغزنی آن حسابهای مفصل حساب کرد.

(چشمی اظهار کردند - مذاکرات کافی است)

اشکر - بنده توضیحات داشتم. رئیس - مذاکرات کافی است؟

مخبر - اجازه فرمائید اینجا تکلیف کردی به بنده داده شده است که در قسمت الف که می نویسد:

در قسمت نفت تصفیه نشده من جمله باید مخارج ذیل منظور شود.

مزد عمه و غیره - اینجا یک اعتراضی به لفظ من جمله هست که شاید از نقطه نظر ظاهر درست آن مقصود معنی رانساندولی ادر کمیسیون هم واسطیم چیزی پیش بکنند اما من توانستم فراسه اش هم این است

A - Le prix de revient du pétrole brut, du transport du raffinage et de la mise en rente en Gerse etc.

Prim de revient dans lequel bien enten du, il faut faire entrer en autres, les depens en telles que se claires des employés et cavriers fais du combus tibles

این (من جمله) را برای این میگند از این که علاوه بر مخارجی که در اینجا ذکر شده ممکن است یک چیزهای دیگری باشد که آنها هم در موقع حساب شدن لازم باشد حالا ما آمدیم در اینجا قسمت های مهم و سختش را ذکر کردیم و اگر یک لفظ دیگری که بهتر باشد و این مقصود را برساند آقایان در نظر دارند بفرمائید ضرر ندارد.

رئیس - پیش نهادت قرائت میشود. حائری زاده مذاکرات کافی نیست. رئیس - گفتند کافی است. حائری زاده - اجازه فرمائید عرض کنم بموجب قانون حق دارم بگویم کافی نیست.

رئیس - بفرمائید. حائری زاده اصلا این ماده در کمیسیون مذاکرات کمتر در اطرافش میشد و دوسه جلسه معطل شد ممکن است بعضی ایهاماتی بواسطه آن ترکیبات عبارتی بیاید بعضی که در بادی نظر وقتی که یک مباحثاتی میشود کامل در اطرافش نقادی نشود ملتفت نشوند مثلا راجع بکار تصفیه یک عبارتی نوشته است.

عدل الملك - بنده اخطاری دارم. رئیس - بعد از ایشان بفرمائید. حائری زاده - نوشته است. آن مقدار نفلی که در ایران مصرف

میشود باید در ابتدا تصفیه نمایند. مفهوم مخالفش این میشود و در هیچ جای قانون پیش بینی نشده است که ممکن است تصفیه و عملیاتی نفطی در خارج ایران بشود و ما بیشتر نظریه داریم سرمایه خارجی را جلب بکنیم و معاون خودمان بدهیم برای این است که کارگران و عملیات خودمان کار بکنند و بکار نمانند و عملیات نفطی در مملکت خودش نشود. نفت جنوب کارخانه تصفیه را رفته است در انگلستان ساخته است ما باید این معایب را پیش بینی کنیم و تا در کاملاً مذاکره نشود این معایب را نمی شود درست جلو گیری ورد و من عقیده ام این است که این مذاکرات باید بیشتر بشود. رئیس ده بیست فقره پیش نهاد رسید است. آقای عدل الملك اخطاری داشتند. بفرمائید. عدل الملك وقتی که راجع بکفایت مذاکرات صحبت میشود یک فقره که مخالف است باید در کفایت و عدم کفایت مذاکرات صحبت بکنند و نباید در ماهیت مطلب حرف زدند ولی ایشان هم در این زمینه حرف زدند.

رای میگیرم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی میدانند قیام فرمائید. (اغلب قیام نمودند) رئیس - رای داده شد بکفایت مذاکرات. دو فقره پیش نهاد از طرف آقای شیخ الرئیس است (یک فقره آن بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد میکنم سالی دهم مرتبه وزارت تجارت این ماده را مذاقه نموده با اطلاع کمیته قیمت مواد را تعیین و با اطلاع عامه برساند. رئیس توضیحی دارید؟ محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس بلی باهر ترتیبی که این ماده بگذرد چه مفت و چه بیشتر چه کمتر این مواد و این جزئیات که خوانده شد در حقیقت یک راه حلی ندارد که یک کسی که میخواهد نفت بخرد چه طور حساب بکند که معلوم شود قیمت نفت چه قدر است و چه طور باید بخرد ده روز هم حساب بکنند معلوم نخواهد شد و بعد هم باید قیمت کیبانی را بپذیرد و اسباب معطلی بشود. عقیده بنده این است که سالی دو مرتبه وزارت تجارت با نماینده کیبانی باید این ماده را مطرح بکنند و ببیند قیمت نفت با آن مخارجی که شده است چقدر است و اعلان کنند که تا شش ماه دیگر قیمت نفت به این ترتیب است

بزرگن چقدر است مازوت چقدر است و مردم بیشتر بخرند ولی کیبانی اگر خواست ارزان تر بفروشد البته خودش میدانند اگر قیمت راجع بازار دنیا بود عرضی ندارم ولی راجع قیمت داخلی اگر فروشنده یا خریدار متقاعد نشوند یک قاعده داشته

باشند که تمام اهالی بدانند قیمت نفت چقدر است. به این جهت بنده پیش نهاد کردم که سالی دهم مرتبه نماینده کیبانی یا نماینده دولت بنشینند حساب کنند و یک اعلان عمومی بکنند که از حالا تا فلان وقت قیمت اینها این است و برای آسایش مردم عقیده بنده این است که این نظر اتخاذ شود. رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟ مخبر - کمیسیون موافق نیست توضیح مفصالی هم لازم نیست عرض کنم برای اینکه قبلاً در جواب آقای اشکر عرض کردم تعین این قیمت ابداری بطبیقت و تجارت مردم ندارد. نفطی را که خریدارها کثرت می کنند که بخرند خود کیبانی یک قیمتی روی آن می گذارد تفتیش این قیمت و اینکه مطابق میکند با قیمت اصلی یا نه مربوط بدولت است. دولت میتواند اسالی یکدهه دهه دفته صد فقره هر وقت که بخواهد بتوسط وزارت تجارت و معامور خودش بتوسط هر کسی که بخواهد تفتیش کند. این تعهد است که شده است که شده است که کمیته این ترتیب را بکنند مثل سایر تعهدات کیبانی باید اجرا شود و اگر اجراء نشد امتیاز لغو شود دیگر اینکه دولت بچه ترتیب و چه موقع این کار را بکنند کار را راست میکند. اشکر - بنده مخالفم. رئیس - رای میگیرم به قابل توجه بودن این پیش نهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده کمی قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد. اصلاح دیگر (بشرح آتی قرائت شد) بنده پیش نهاد میکنم در عوض سایر مواد مستخرجه (نوشته شود) در تمام مواد دیگر که موجب ماده اول امتیاز آن کیبانی داده شده. محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - توضیح بدهید. رئیس - توضیح بدهید. شیخ الرئیس - عرض میکنم وقتی که میخواهیم امتیاز کیبانی بدهیم در آن ماده می نویسیم؟ نفت و مازوت و بنزین و نفت تصفیه نشده همه نکات آنرا می نویسیم و بندهم احتیاطاً می نویسیم. تمام مشتقات و متفرقات و خانواده و خوشاوندان نفت. ولی اینجا اینطور می نویسیم. این است که بنده پیش نهاد میکنم اینجا هم نوشته شود رجوع به آماده و چیزیکه در اینجا نوشته است و امتیاز به کیبانی داده میشود در اینجا هم نوشته شود یعنی عوض سایر مواد مستخرجه نوشته شود. تمام مواد دیگر که موجب ماده یک کیبانی داده شده. که وقتی خواستیم اینجا رجوع کنیم و بالاخره در اینجا مفصل نوشته شود. رئیس - آقای مخبر چه عقیده دارند؟ مخبر - در اصل مسئله با حضرت والا

مواقف و این سایر مواد مستخرجه که نوشتیم مقصودمان همین بود و اگر بنا شود عین عبارت ماده اول نوشته شود اشکالی پیدا نخواهد کرد چیزیکه هست ممکن است تولید زحمت و اشکالی برای ما بشود و زحمتش برای ما اینست که ما باید عبارت نسخه فرانسه را تغییر بدهیم و لو اینکه معنایش هم تغییر نکند باید به طرف هم مراجعه بکنیم. با این حال بنده در این مورد اصلاح شاهزاده را می پذیرم برای اینکه شاید هنوز اصلاح فرانسه اش اشکالی نداشته باشد ولی این را تذکر میدهم برای بعد از این وقتیکه آقایان پیشنهاد میکنند این مسئله را در نظر بگیرند که اگر آن پیشنهاد بامعنی قانون فرقی دارد بگویند و اگر چیزهای خیلی جزئی مثل (سایر مواد مستخرجه) یا مواد هیدروکربور متجانس نفت است این فرقی نمیکند جز اینکه ما را دوچار زحمت مینماید ولی حالا بنده عین آن چیزیکه در ماده اول است یعنی کلمه (مواد هیدروکربور متجانس با نفت) را بجای مواد مستخرجه ازفت قبول میکنم. رئیس - (خطاب به مخبر) ایشان مراجعه دادند بنده اول. مخبر - بنده یک نمیتوانم مراجعه اش را قبول کنم لیکن در بین ماده میتوانم اصلاح کنم. رئیس - رای میگیرم به قابل توجه بودن اصلاح آقای شیخ الرئیس آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید (عده قبلی قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد. پیش نهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب قرائت میشود. (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیش نهاد میکنم لفظ (غیره و چیزهایی که باید ذخیره داشت) از قسمت الف حذف شود. رئیس - بفرمائید. حاج میرزا عبدالوهاب - بلی در اینجا در قسمت الف می نویسد: قیمت نفت تصفیه نشده قیمت کرابه. مخارج تصفیه و معارجی که برای ذوش در ایران تعلق میگیرد و غیره) دیگر لفظ (و غیره) ببقیده بنده مجدل است و شامل خیلی چیزها میشود و ممکن است اسباب گرانی نفت بشود ما مقصودمان اینست که نفت ارزان تر باشد و همین طور مینویسد در قیمت نفت تصفیه نشده من جمله باید مخارج ذیل منظور شود: مزد عملیات و اجزاء و مخارج سوخت و مخارج عمل آوردن و جبهه و قیمت خرید اجناس و نگاهداری اسباب و ادوات و هم چنین قیمت چیزهایی که باید ذخیره داشت این دو لفظ ببقیده بنده مجمل است و شامل همه چیز میشود علاوه اسباب گرانی

نفت میشود و اگر حذف شود بهتر است. رئیس - رای میگیرم به قابل توجه بودن این پیشنهاد. مخبر - کدام پیشنهاد مقرر بفرمائید مجدداً بخوانند (بشرح سابق قرائت شد) مخبر - حذف غیره را در این قسمت می پذیرم ولی قسمت دیگرش را نمی پذیرم. حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم آن جزء دیگرش را پس میگیرم. رئیس - اصلاح دیگر است از آقای حاج میرزا عبدالوهاب سهام السلطان - در پیش نهاد اولی قسمت چیزهای چه شده؟ رئیس - یک قسمت را آقای مخبر قبول کردند و قسمت دیگر را خودشان مسترد داشتند. (پیشنهاد دیگر آقای حاج میرزا عبدالوهاب) (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم میزان کالون و فاهرن هانت بفارسی نوشته شود و به میزان وزن معمول طهران که ششصد و چهل مثقال است معین شود. رئیس - توضیح بدهید. حاج میرزا عبدالوهاب - بلی بنده قبلاً هم عرض کرده بودم و حالا هم عرض میکنم که باید عبارت طوری باشد که همه کس بپسندد فردا یک تاجری که می رود نفت بخرد چه می فهمد کالون و فاهرن هانت چقدر است و بنده هم نمی فهمم این لفظ یعنی چه خوب است آقای مخبر توضیح بدهند و آن لفظ را بفارسی تبدیل کرده و به میزان معمولی طهران تغییر بدهند چون لایحه ارزان به مجلس آمده و هنوز تصویب نشده. از این جهت بوزن تیریز که امروز معمول شهر طهران است (که چهل من یا پنجاه من باشد) تبدیل شود والا ببقیده بنده اینطور هیچ معلوم نیست و کالون و غیره معنی ندارد. مخبر - جواب اظهارات آقای حاج میرزا عبدالوهاب را بنده قبلاً دادم و عرض کردم که این هیچ مربوط بر دم نیست و هیچوقت تولید زحمتی نخواهد کرد ولیکن اگر قانع میشود به این اندازه که اینجا در مقابل این کالون در برانتر نویسیم که بوزن ایران چقدر است از برای مطابقت از طرف کمیسیون می پذیرم ولی قسمت دیگری که اراجع بدرجه است نمیتوانم قبول نمیکنم. رئیس - (خطاب به مخبر) بعد این کار را خواهید کرد؟ مخبر - بلی بلی. رئیس - (خطاب به حاج میرزا عبدالوهاب) قسمت ثانی را مسترد میدانید یا اینکه رای میگیرم؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مقصود همین بود که در بین اهالی این نوشته شود. رئیس - یک قسمتش را قبول کردند. حاج میرزا عبدالوهاب - پس قسمت دومش را مسترد میدانم. رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوازده اصلاحات ذیل بعمل آید: ۱- در قسمت اول بعد از تعلق بگیرد کلمه (و غیره) حذف شود. ۲- در تبصره قسمت دوم بعد از عبارت (که برای رفع احتیاج اهالی) مزید شود و دولت ایران. رئیس - توضیح بدهید. ارباب کیخسرو - در قسمت اول که مقصود حاصل شده است عرض ندارم. در قسمت دوم که نوشته شده است: و بطور کلی عموم مواد مذکوره که برای رفع احتیاج اهالی ایران تقاضا شود. بنده لازم میدانم کلمه دولت هم مزید شود که بعدها تولید مشکلاتی نشود اگر در جای دیگر دارد این عبارت را که بنده عرضی ندارم ولی اگر ندارد گمان می کنم اگر در اینجا نوشته شود خیلی خوب است. مخبر - اگر یک قدری بالاتر سطر سوم صفحه دوازدهم را ملاحظه بفرمائید گفته است. مقصود از جمله مصرف داخله ایران عبارت از مقدار نفت تصفیه شده و بنزین و مازوت و نفت و سایر مواد نفطی طبیعی که دولت و اشخاص متفرقه و شرکتهای و کیبانیها و هر مؤسسه دیگر در ایران بصرف میرسانند و بطور کلی عموم مواد مذکوره که برای رفع احتیاج اهالی ایران تقاضا شود. حقیقتاً شامل همه هست. ارباب کیخسرو - اجازه بفرمائید. رئیس - بفرمائید. ارباب کیخسرو - چون دیگر حق توضیح ندارم بنده این را پس میگیرم. (پیشنهاد آقای کازرونی بشرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ربح سرمایه صدی پنج علاوه نباشد. رئیس - توضیح بدهید. کازرونی - بلی ربح در دنیا معتدل می شود به اختلاف اشخاص و اعتباراتشان. بعضی بانکها هست که ربح را از صدی دو و صدی سه علاوه نمیکند و مابین تجار هم ربح صدی شش معمول و متداول است یعنی اگر یک نفر تاجر ایرانی طرف باشد با یک نفر تاجر اروپائی ربح معمول و جاری مابین این دو نفر صدی شش است اگر آقایان اطلاع ندارند مراجعه کنند به بینندگان که تنزیل آزاد است و شاید صدی هفت

یاصدی هشت هم باشد اما چطور؟ نه اینکه یول در اروپا کم شده باشد بلکه چون اعتبارات اشخاص یک اندازه تغییر و تبدیل پیدا کرده همین طور اعتبارات پول هم تغییر پیدا کرده لیکن در صورتیکه طرف کاملاً معتبر باشد مثل اینکه شخص نسبت سرمایه خودش برای خودش از تمام اهل عالم معتبر تر است. این کیبانی هم سرمایه که دارد سرمایه خودش است با این حال نمیشود گفت که شاید این اندازهها حاضر نباشد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که صدی پنج باشد و این صدی پنج هم که عرض میکنم خیالی می خواهند بدانند کم است یا زیاد مراجعه کنند به همین بانک شاهنشاهی و در آنجا یک پولی باو بدهند اگر صدی سه قبول کرد پس معلوم میشود که پیشنهاد بنده مورد مورد ندارد اما اگر صدی سه هم نه پذیرفت در صورتیکه بهر کیبانی یا صرف خانه بخواهد بدهد صدی سه یا صدی چهار هم نپذیرفتند معلوم میشود همان طور که بنده پیشنهاد کرده ام که تنزیل پول خودش برای خودش باشد این مقدار کم نیست صدی هفت برای یک چنین موضوعی زیاد است و عادلانه نیست. رئیس - رای میگیرم آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمائید. (عده قبلی برخاستند) رئیس قابل توجه نشد. اصلاح دیگر. (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیش نهاد میکنم منفعت صاحب امتیاز از مواد نفطی برای مصرف ایران زیاد از صدی پنج نباشد. کازرونی - استرأباد میکنم. رئیس - یک صدی پنج دیگر هم آقای اشکر پیش نهاد کرده اند. مخبر - اینکدر شده. اشکر این آن نیست. (پیشنهاد آقای اشکر بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم نفع فروش نفت در ایران از صدی پنج تجاوز نکند. اشکر - در عرضی که قبلاً عرض شد چون اجازه نداشتم در جواب آقای مخبر عرض بکنم پیش نهاد کردم. عرض کردم که در یکجا نفع سرمایه گرفته میشود و در جای دیگر تمام مخارج محسوب میشود و در آنجا نوشته میشود قیمت بازار دنیا همان طور که آقای مخبر فرمودند در بازار دنیا یک رقابت هائی پیدا میشود و یک جزر و مد هائی تولید میشود که ما هم حق داریم از آن زر و مدها استفاده کنیم.

بنا بر این بنده پیشنهاد کردم پس از آنکه تمام مخارج اساسی و غیر اساسی استخراج نفت محسوب میشود ربح سرمایه برام صدی هفت آقایان تصویب بفرمائید. بنا بر این بنده معتقدم که یک دو نیم هم علاوه کنند یعنی کیبانی بیش از صدی پنج نگیرد و بنده گمان میکنم که کمتر تجارتنی باشد که دو نیم هم منفعت بکنند اگر یک کسی بخواهد هم بخرد بخواهد اجازه بدهند بعد از وضع مخارج صدی پنج کمتر کسری می آید. حاج عزالملك بنده مخالفم. رئیس - بفرمائید. حاج عزالملك عرض میکنم که آقای پیشنهاد میکنند صدی پنج بگیرد صدی ده نگیرد بنده پیش نهاد میکنم صدی دو بگیرد خیلی هم خوست اما باید فهمید که این کیبانی قبول میکند یا قبول نمیکند اگر کرد آن وقت آقای اشکر ضرر او را جبران میکنند اشخاصیکه مطالعه کرده اند این کار را باید ببیند که آنها چه پیش نهاد کرده اند آقایانی که پیش نهاد میکنند ردمی شود تعجب نکنند از آقایانی که رای نمی دهند صدی پنج میشود اینک رای نمی دهند از روی یک نظریه است زیرا باید طرف قبول بکنند والا ممکن است آقایان پیش نهاد کنند صدی دو یا صدی سه بشود ولی ببقیده بنده نمیشود. رئیس آقای کازرونی (اجازه) مدرس بایستی - اعضاء کمیسیون یا مخبر توضیح داده باشند حاج عزالملك مخالف مصرف کردند اگر چه هم بران هم ماهه در دست راست. (همه بین نمایندگان) مخبر (خطاب بکازرونی) اگر توضیحاتی دارید بفرمائید بنده جواب بدهم. مدرس - ایشان عضو کمیسیون نیستند بلی نیستند. مخبر (خطاب بکازرونی) میخواهید حق نفطی را به آقای مدرس واگذار کنید. (صدای زنگ رئیس دعوت بسکوت) کازرونی وقتی در قسمت شمالی اهالی ایران میخواهند امتیاز نفت را مطرح کنند میگویند آن صدی هشتادی که اینجا برای صاحب امتیاز منظور داشته اند بعد از استهلاك سرمایه و غیره و بعد از گرفتن پول کارخانجات و هزار چیزهای دیگر آن وقت هم اگر بخواهند یک قدری نفت توی چراغشان بریزند باید به فلان قیمت خریداری نمایند (زمره از طرف بعضی نمایندگان) بلی قطار طرف شمال نفت میخورد

جنوب نفت دارد این نفت جنوب نیروی بنا بر این پیش نهاد شد که یک دو نیم بعد از وضع مخارج بیشتر منصفت نگیرد یعنی مثل یک نفر تاجر حسابی که اگر ده ونیم منصفت بگیرد متمول هم میشود اینجا تمام دلیل آقا این بود که طرف قبول نمیکند اگر دلیل این است خوب بود تنها همان لایحه را میآوردند و میگفتند طرف این لایحه را قبول میکنند و غیر از این نمی پذیرد

بیک قیام و قعود در آن لایحه رأی داده میشد و این مشاجرات هم لازم نبود برای اینکه کمیانی قبول نمیکردند

در هر صورت اگر یک کسی پیشنهادی کرد نباید در مجلس هوشود و عقاید آزاد است و نظر بر تیبانی نمیشود عقاید را اظهار کرد و مقصود ما هم غیاز این پیش نهاد چیز دیگری نیست کمال موافقت را هم داشته و داریم و اگر اتفاقاً یک پیش نهادی شد برای اینکه در خارج اترسوئی نکند نایستی یک مخالفت هائی در اطرافش بشود

رئیس شما که حدود توضیح بکلی خارج شدید

مخبر اجازه میباید

اولا اینجا گویا آقای مدرس اعتراض از نقطه نظر مذاکرات داخلی در کمیسیون داشتند خیلی خوب بود که میفرمودند و بنده هم می شنیدم

این صدی ده بعد از مذاکرات زیادی با دلیل و برهان در کمیسیون تصویب شد حالا بنده دفاع آقای حاج هزالمالک را تصدیق نمیکنم

که چون طرف قبول نمیکند نباید این را پذیرفت

مخبر بنده این را قبول ندارم اما این راهم باید در نظر گرفت که طرف مقابل وقتی می آید باید کمیسیون یا یک طرف معامله مذاکره میکنند باید قلم در دست گرفت

مدا در دست گرفت و حساب کرد حرف حسابی را قبول و غیر حسابی را رد کرد

بنده می خواهم عرض کنم که این مذاکرات از دو سال قبل بوده است و در دوره چهارم در اطراف این قانون در کمیسیون و مجلس مذاکرات زیادی شده حالا اگر من اشتباه میکنم و در کمیسیون چیزی بوده که خاطر من نیست

استعلام میکنم آقای مدرس توضیح بدهند البته اگر صحیح باشد اصلاح می کنیم ولی آنچه که بنده اطلاع دارم و از طرف کمیسیون عرض میکنم این صدی ده را که کمیسیون پذیرفته نه از نقطه نظر این است که طرف کتبی از این قبول نکرده است

و البته همانطور که بعضی از آقایان جهت بنده عرض می کنند که مگر

اجباری داریم

مگر قشون پشت سرمان است

خبره اجباری داریم و نه قشونی پشت سرمان است اینها نیست

بلکه منافع حیاتی و اساسی مملکت را اینطور تشخیص دادیم سابقاً هم گفتیم حالا هم میگوئیم

چنانچه در دوره چهارم در کمیونی که این کمیسیون وارث او است بقدری فائز بمنافع اساسی مملکت بودیم که اگر در یکجا میدیدیم منافع اقتصادی ما آن اندازه زیاد نبوده است صرف نظر می کردیم چرا؟

برای اینکه ما دنبال منافع اساسی مملکت رفیقیم و تشخیص دادیم که کمیانی مستقل معتبر امریکائی و دادن این امتیاز باو کاملاً مطابقت می کند با آن منافع منظوره

رئیس - آقای دست غیب موافقت یا مخالف؟

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی میگیریم قابل توجه بودن این اصلاح آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(صدقه قلبی قیام نمودند)

رئیس قابل توجه نشد

پیش نهاد دیگری است از آقای اخگر

(بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مخارج نگاهداری اسباب و ادوات حذف شود

رئیس توضیح بدهد

اخگر قبلاً از آقایان استدعا میکنم که در پیشنهادات بملاحظه اشخاص پیش نهاد کنند نظر نکنند

اسباب و ادواتی که کمیانی نگاه داری میکنند در مخزن خودش و آنها را برای یک عملیات آتی می خواهد بی - بایستی مخارج نگاهداری این اسباب و آلات در جزو فروش نفت امروزه محسوب شود

وقتی که ما این همه بدل و بخشش می کنیم البته بقدری هم بایستی ملاحظه کنیم که برای این خریدار بیچاره هم اسباب ضرر فوق العاده نشود کمیانی صدی هفت ربح میگیرد

صدی ده منصفت میگیرد مخارج استخراج را حساب میکنند

استهلاک سرمایه میکنند

آلات و ادوات را هم که امروزه لازم ندارد

در آتی از آنها می خواهد استفاده کند البته هر وقت خواست از آن آلات و ادوات استفاده کند آن وقت جزو مخارج باید حساب کرد ولی حالا نباید مخارج نگاهداری آلات و ادواتی که دو سال دیگر برای حفن جاه لازم دارد

بای قیمت امروزه حساب کرد

علیهذا بنده پیشنهاد میکنم که این قسمت حذف شود

مخبر - اینجا یک اشتباهی فرمودید زیرا تصور فرمودید که نگاهداری آلات و ادوات آنها نیست که آوردند توی مخزن گذاردند آنها باید نگاهداری کنند

خیر این آلات و ادواتی است که با آنها کار می کنند خراب می شود باید تعمیر بشود مقصود از نگاهداری تعمیر است روغن زدن است اگر شکست باید تعمیر شود

اگر بره اش شکست باید آن بره را عوض کرد مقصود از نگاهداری اینطور چیزها است که اتمام است

رئیس آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(صدقه قلبی برخاستند)

رئیس قابل توجه نشد

اصلاح دیگری راجع بربح صدی پنج است

پیشنهاد کرده اند چون پیشنهادی که آقای کازرونی کرده بودند در دینار هم مثل همانست پیشنهاد دیگری است که قرائت می شود

(بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم قیمت چیزهائی که باید ذخیره داشت حذف شود

اخگر

اصح - اولاً چیزها معلوم نیست که چیست و اختیارش بکمیانی واگذار شده که هر چیزی که بخواید نگاهداری کند بهمین عنوان نگاهدارد حالا خواه مربوط به نفت و استخراج نفت باشد یا نه و در این قسمت چیزهائی که باید ذخیره شود گمان میکنم دیگر موضوعی را که راجع به نگاهداری فرمودند تأمین نمیشود پس بعقیده بنده این لفظ از روی ندارد که قیمت چیزهائی که ذخیره میشود بر قیمت نفتی که به فروش میرسد اضافه شود علیهذا بنده پیشنهاد میکنم حذف شود

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

اصلاح دیگری است از آقای اخگر

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اینکه نوشته شده است قیمت نفت از آنچه در بازار دنیا به فروش میرسد زیاد تر نباشد کافی نیست نوشته شود حتماً لا اقل ده درصد ارزان تر باشد

اخگر - عرض میکنم نقطه ای که متعلق است بیک مملکتی وقتی که نباشد در بازار دنیا به یک قیمتی فروخته شود البته باید در خود مملکتی که محل نفت است ارزان تر فروخته شود آقای مخبر به بنده فرمودند ممکن

است یک رقابت هائی در بازار دنیا وجود دارد که آن رقابت ها باعث ارزانی تر در خارج بشود بنده دلیلی نمی بینم که اگر رقابت هائی در بازار دنیا ایجاد شود و گویا بخواید در بازار دنیا ارزان تر بفروشند از این اصول استفاده نکرده باشیم

ارزان تر بفروشیم و بنده بمناسبت اینکه خود را مجبور میدانم عقاید را اظهار کنم از این جهت پیشنهاد میکنم و چنانچه سایر پیش نهادات آقایان رد می کنند مختارند

مخبر - بنده خیلی متأسف هستم از اینکه شاید آقایان پیش نهاد کنند کلیم قبول بنده و ندادن رأی آقایان نمایندگان را همچو حمل کنند که یک نظر بانی در بین باشد البته تصدیق میفرمایند که هیچ نوع نظری نباید باشد بخصوص برای بنده که هیچ نوع نظر اقل و اکثری ندارم

آقای اخگر و کازرونی پیش نهاد فرمایند وجه یک نفر از مبرزترین و برجسته ترین لایحه اکبریت برای بنده هیچ فرقی نمیکند در صورتیکه می بینید

کراراً یک اعتراض میشود که این هارا بنده ده دفعه جواب داده ام و معتقدم جوابی که داده ام متعجب بوده است حالا آقایانی که رأی میدهند ناچار قبول از عرض بنده این عقیده را داشته اند و بد اقتناع شده اند پس این را نباید حمل چیزی کرد تا وقتی که حساب میکنیم و با منطق و معادله نگاه میکنیم و می بینیم این شرایطی را که ما برای نفت قرار داده ایم بلخدی منصفت در مملکت ما خیلی ارزان است شاید انشاء الله از این قیمتی که امروز در مملکت معمول است به مراتب ارزان تر باشد

مخبر - از صدی پنج هم از آن تر است؟

مخبر - از صدی پنج قطعاً ارزان تر نخواهد بود اما از صدی پانزده و صدی بیست ارزان تر خواهد بود و یقین دارم از قیمتی هم که در بازار دنیا فروخته میشود ارزان تر خواهد بود ولی این یک فرضاً احتیاطی است در هر حال از قیمتی که در بازار دنیا فروخته میشود در مملکت ما گران تر نخواهد بود ما در صد احتمالاً هشاد فرود معامله خواهد شد خیلی ارزان تر خواهد بود و غیر از این هم میشود و طوری دیگر کرد

رئیس - آقایانی که اصلاح آقایان را قابل اخگر را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(صدقه قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

اصلاح دیگری است از آقای اخگر

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم قیمت چیزهائی که باید ذخیره داشت حذف شود

اخگر

اصح - اولاً چیزها معلوم نیست که چیست و اختیارش بکمیانی واگذار شده که هر چیزی که بخواید نگاهداری کند بهمین عنوان نگاهدارد حالا خواه مربوط به نفت و استخراج نفت باشد یا نه و در این قسمت چیزهائی که باید ذخیره شود گمان میکنم دیگر موضوعی را که راجع به نگاهداری فرمودند تأمین نمیشود پس بعقیده بنده این لفظ از روی ندارد که قیمت چیزهائی که ذخیره میشود بر قیمت نفتی که به فروش میرسد اضافه شود علیهذا بنده پیشنهاد میکنم حذف شود

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

اصلاح دیگری است از آقای اخگر

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اینکه نوشته شده است قیمت نفت از آنچه در بازار دنیا به فروش میرسد زیاد تر نباشد کافی نیست نوشته شود حتماً لا اقل ده درصد ارزان تر باشد

اخگر - عرض میکنم نقطه ای که متعلق است بیک مملکتی وقتی که نباشد در بازار دنیا به یک قیمتی فروخته شود البته باید در خود مملکتی که محل نفت است ارزان تر فروخته شود آقای مخبر به بنده فرمودند ممکن

رئیس - پیشنهادی است از آقای کازرونی (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت دوم از ماده دوازده نوشته شود قیمت نفت در ایران علاوه بر قیمتی که در بازار دنیا فروخته میشود علاوه بر کرایه و مخارج حمل و نقل بیست هزار نفر بیشتر (به موجب کتابچه اطلاعات خود کمیانی) از ایرانی نیستند به جهت اینکه در نزد یکی لندن یک شهری برای تصفیه نفت ساخته اند و سه میلیون لیره خرج کرده اند و وقتی بنا باشد مادر این امتیاز نامه تصریح کنیم که تمام عملیات نفت (سوی تجارتش که باید در خارج باشد) از حیث تصفیه و غیره

مخبر - غیره را توضیح بفرمائید

حائری زاده ساختن مخزن لوله کشی و این قبیل بایستی در حدود مملکت خود مان مخزن و کارخانه تصفیه داشته باشد بنده اطلاعاتی ندارم حضرت والا هم تصور نمی کنم اطلاعات کافی داشته باشند باید به متخصصین فنی اش رجوع کرد

مخبر - سئوالی که بنده میکنم برای این نیست که اعتراض را بفهمم

حائری زاده ما باید برای احتیاجات داخلی مان آن کمیانی را مکلف سازیم که کارخانه تصفیه را در مملکت ما بسازد اگر بنا بشود نفت سیاه را حمل کند و بردد آمریکا تصفیه کند این منصفت مانست

باید تمام عملیات نقطه در مملکت بشود این صدی بیست که ما میدهد یک چیز زیادی نیست

پس اینقدر باید تعهد بکنیم که این نقطه را که امروزه محتاج الیه دنیا است و می دهیم بکمیانی برای این است که مردم در سایه عملیات نقطه استفاده بکنند و اگر ما در اینجا فقط منحصراً بکنیم عملیات نفت را بآن مقدار نقطه که در داخله مملکت مصرف میشود ممکن است همانطور نفت سیاه را بار کنند و ببرند در جای دیگر تصفیه کنند و این به صرف ما نیست

این است که جمله که در سطر اول دارد (هر مقدار که در ایران تصفیه و تهیه نماید) این جمله را گفتم حذف شود

ما یک ماده الحاقیه پیش نهاد میکنم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران باشد

مخبر - اینکه بنده از آقای حائری زاده توضیح خواستم تصدماً اعتراض نبود خواستم ببینم عملیات نقطه غیر از تصفیه چه چیز است باید. مطلب را فهمید و جواب داد و بالاخره از توضیحی که دادند بنده این طور فهمیدم که مقصودشان همان تصفیه است چیز دیگری نیست گفتند چرا قید والتزام محدود شده است بخواج داخلی ایران که چرا نفت سیاه مستخرج از

ضرر دارد برای ما چنانچه در موضوع نفت جنوب خساراتی متوجه ما شده است و ملتفت شده ایم که بواسطه عملیات نقطه است در خارج ایران و آن استفاده که ما از امتیاز نفت باید بکنیم نمیکند یعنی مردم آن استفاده را از نفت جنوب نمیکند شصت هزار نفر عملاً مشغول کار است ولی بیست هزار نفر بیشتر (به موجب کتابچه اطلاعات خود کمیانی) از ایرانی نیستند به جهت اینکه در نزد یکی لندن یک شهری برای تصفیه نفت ساخته اند و سه میلیون لیره خرج کرده اند و وقتی بنا باشد مادر این امتیاز نامه تصریح کنیم که تمام عملیات نفت (سوی تجارتش که باید در خارج باشد) از حیث تصفیه و غیره

مخبر - غیره را توضیح بفرمائید

حائری زاده ساختن مخزن لوله کشی و این قبیل بایستی در حدود مملکت خود مان مخزن و کارخانه تصفیه داشته باشد بنده اطلاعاتی ندارم حضرت والا هم تصور نمی کنم اطلاعات کافی داشته باشند باید به متخصصین فنی اش رجوع کرد

مخبر - سئوالی که بنده میکنم برای این نیست که اعتراض را بفهمم

حائری زاده ما باید برای احتیاجات داخلی مان آن کمیانی را مکلف سازیم که کارخانه تصفیه را در مملکت ما بسازد اگر بنا بشود نفت سیاه را حمل کند و بردد آمریکا تصفیه کند این منصفت مانست

باید تمام عملیات نقطه در مملکت بشود این صدی بیست که ما میدهد یک چیز زیادی نیست

پس اینقدر باید تعهد بکنیم که این نقطه را که امروزه محتاج الیه دنیا است و می دهیم بکمیانی برای این است که مردم در سایه عملیات نقطه استفاده بکنند و اگر ما در اینجا فقط منحصراً بکنیم عملیات نفت را بآن مقدار نقطه که در داخله مملکت مصرف میشود ممکن است همانطور نفت سیاه را بار کنند و ببرند در جای دیگر تصفیه کنند و این به صرف ما نیست

این است که جمله که در سطر اول دارد (هر مقدار که در ایران تصفیه و تهیه نماید) این جمله را گفتم حذف شود

ما یک ماده الحاقیه پیش نهاد میکنم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران باشد

مخبر - اینکه بنده از آقای حائری زاده توضیح خواستم تصدماً اعتراض نبود خواستم ببینم عملیات نقطه غیر از تصفیه چه چیز است باید. مطلب را فهمید و جواب داد و بالاخره از توضیحی که دادند بنده این طور فهمیدم که مقصودشان همان تصفیه است چیز دیگری نیست گفتند چرا قید والتزام محدود شده است بخواج داخلی ایران که چرا نفت سیاه مستخرج از

معدن ایران تماماً در ایران تصفیه نمیشود و بعد نفت تصفیه شده از اینجا حمل برای فروش بشود و البته از برای این نظریه خودشان یک محاسنی ذکر میفرمایند که آن محاسن هم اگر ممکن بود خیلی خوب بود اما می خواهم ببینم این مسئله عملی است یا نه این را باید در نظر داشت که معامله همیشه دو طرف دارد و هر دو طرف باید صرفه خودشان را بخواهند و از معارضه بین این دو صرفه یک حد اعتدالی حاصل میشود و آن اندازه حد اعتدالی که پیدا شد آن باید معین شود بدون اینکه طرفین به هم دیگر یک اجحافاتی بکنند این که ما اینجا با کمیانی گذاردیم از برای پیدا کردن این حد اعتدال بود کمیانی نفت جنوب که حالا می مثل میزنیم در امتیاز نامه اش که آقای حائری زاده در آن خیلی مطالعه کرده اند آیا بهیچ جای این امتیاز همچو قیدی را ملاحظه فرموده اید که ولو ده من هم نفت تصفیه نشده را اگر بخواید اینجا تصفیه کند مجبور و ملزم باشد؟ ابتدا همچو قیدی را ندارد حالا ما خواستیم این قید را در این امتیاز نامه بکنیم و کمیانی را مجبور کنیم که در این جا آن میزانی که طرف احتیاج ما هست از نفت و بنزین و سایر مواد نقطه در همین جا تصفیه کند تا آن مقدار نفت تصفیه شده که کارخانجات و دواتر صنعتی ما و افراد مملکت ما از برای احتیاجات شخصی و عمومی می خواهند در همین مملکت تصفیه شده باشد چرا؟

بدو دلیل یکی اینکه این احتیاجات بنظر ما خیلی زیاد است که برای تصفیه کردن آن یک مقدار از نظریه شما که کار کردن مردم این مملکت است تأمین می شود ثانیاً گفتیم که اگر این مقدار نفت در خارج تصفیه نمایند البته برای کمیانی گران تمام خواهد شد و در سایه عملیات نقطه استفاده بکنند و اگر ما در اینجا فقط منحصراً بکنیم عملیات نفت را بآن مقدار نقطه که در داخله مملکت مصرف میشود ممکن است همانطور نفت سیاه را بار کنند و ببرند در جای دیگر تصفیه کنند و این به صرف ما نیست

این است که جمله که در سطر اول دارد (هر مقدار که در ایران تصفیه و تهیه نماید) این جمله را گفتم حذف شود

ما یک ماده الحاقیه پیش نهاد میکنم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران باشد

مخبر - اینکه بنده از آقای حائری زاده توضیح خواستم تصدماً اعتراض نبود خواستم ببینم عملیات نقطه غیر از تصفیه چه چیز است باید. مطلب را فهمید و جواب داد و بالاخره از توضیحی که دادند بنده این طور فهمیدم که مقصودشان همان تصفیه است چیز دیگری نیست گفتند چرا قید والتزام محدود شده است بخواج داخلی ایران که چرا نفت سیاه مستخرج از

حاصل کند البته از آن فوائد متعلق به ما هم هست هم شریک هستیم وهم بایستی متعلق دوات را بدهد

این راهم توضیح میدهم که بازاریا با ذکره تنها نیست بازاریا یعنی پاریس لندن برلن آمریکا ابطالی همه این هاروی هم رفته بازار دنیا هستند و ما نمیتوانیم بگوئیم توی اینجا تصفیه کن از برای اینکه صد نفر همه این جا کار کند تصدیق بفرمائید که این ضررش برای ما بیشتر است چون صدی بیست از عایدات مال دولت است و صدی سی مال ملت است و ما بایستی بگذاریم که کمیانی ضرر بکنند در مقابل یک رقیب بزرگی که در جنوب از برای این درست کرده ایم و بعداً این قیودات را هم ندارد صد شانزدهم میدهد صدی سی هم اهمال نمیدهد نقش راهم مجبور نیست در این جا بفرودد هر جا ذلت می خواهد می فروشد شایک منجور رقب عظیم البته قهری برای او درست کردید آن وقت این کمیانی را این طور مقید میکنید و بکنی در تحت یک زنجیر هائی دستش را می بندید و میدید بدست پهلوان این طور که نمیشود

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد خود آقایان حائری زاده و زعم آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

صدقه قلبی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بطوری که ذیلاً مندرج است قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم علاوه بر تمام مخارج مرقومه در ماده دوازده کمیانی کلیه یک ده یک بیشتر نگیرد

از بابت ربح و منافع و غیره

رئیس - گویا این رده شده باشد برای اینکه بموجب پیشنهادهای سابقه که رد شد این هم رد شده است

پیشنهاد آقای امیر احتشام (شرح ذیل قرائت شد)

برای اجتناب از اطباب و اختلافات حاصله از مشمول این ماده بنده پیشنهاد می نمایم از بعد از بی اله لایحه (امانه برای صدور از ایران) به جای عایدات بعد از آن و قسمت های الف بده نقطه قسمت دو با اصلاح عبارتی ذیل نوشته شود به این ترتیب

۲ - قیمتی که صاحب امتیاز برای مواد راجحه به مصرف داخله ایران معین میکند از قیمتی که صاحب امتیاز در همان تاریخ مواد مزبور حاصله از این امتیاز را در بازار دنیا می فروشد بایستی هفتی پنج درصد ارزان تر باشد ولی هر گاه مالیات و وجوهی در ایران مأخوذ شود بر قیمت فروش در خارج علاوه خواهد شد بهیچ وجه مخارجی که در خارج از ایران تابع فروش مواد مزبور

بنده عرض میکنم نقطه ای که متعلق است بیک مملکتی وقتی که نباشد در بازار دنیا به یک قیمتی فروخته شود البته باید در خود مملکتی که محل نفت است ارزان تر فروخته شود آقای مخبر به بنده فرمودند ممکن

است یک رقابت هائی در بازار دنیا وجود دارد که آن رقابت ها باعث ارزانی تر در خارج بشود بنده دلیلی نمی بینم که اگر رقابت هائی در بازار دنیا ایجاد شود و گویا بخواید در بازار دنیا ارزان تر بفروشند از این اصول استفاده نکرده باشیم

ارزان تر بفروشیم و بنده بمناسبت اینکه خود را مجبور میدانم عقاید را اظهار کنم از این جهت پیشنهاد میکنم و چنانچه سایر پیش نهادات آقایان رد می کنند مختارند

مخبر - بنده خیلی متأسف هستم از اینکه شاید آقایان پیش نهاد کنند کلیم قبول بنده و ندادن رأی آقایان نمایندگان را همچو حمل کنند که یک نظر بانی در بین باشد البته تصدیق میفرمایند که هیچ نوع نظری نباید باشد بخصوص برای بنده که هیچ نوع نظر اقل و اکثری ندارم

آقای اخگر و کازرونی پیش نهاد فرمایند وجه یک نفر از مبرزترین و برجسته ترین لایحه اکبریت برای بنده هیچ فرقی نمیکند در صورتیکه می بینید

کراراً یک اعتراض میشود که این هارا بنده ده دفعه جواب داده ام و معتقدم جوابی که داده ام متعجب بوده است حالا آقایانی که رأی میدهند ناچار قبول از عرض بنده این عقیده را داشته اند و بد اقتناع شده اند پس این را نباید حمل چیزی کرد تا وقتی که حساب میکنیم و با منطق و معادله نگاه میکنیم و می بینیم این شرایطی را که ما برای نفت قرار داده ایم بلخدی منصفت در مملکت ما خیلی ارزان است شاید انشاء الله از این قیمتی که امروز در مملکت معمول است به مراتب ارزان تر باشد

مخبر - از صدی پنج هم از آن تر است؟

مخبر - از صدی پنج قطعاً ارزان تر نخواهد بود اما از صدی پانزده و صدی بیست ارزان تر خواهد بود و یقین دارم از قیمتی هم که در بازار دنیا فروخته میشود ارزان تر خواهد بود ولی این یک فرضاً احتیاطی است در هر حال از قیمتی که در بازار دنیا فروخته میشود در مملکت ما گران تر نخواهد بود ما در صد احتمالاً هشاد فرود معامله خواهد شد خیلی ارزان تر خواهد بود و غیر از این هم میشود و طوری دیگر کرد

رئیس - آقایانی که اصلاح آقایان را قابل اخگر را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(صدقه قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

اصلاح دیگری است از آقای اخگر

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اینکه نوشته شده است قیمت نفت از آنچه در بازار دنیا به فروش میرسد زیاد تر نباشد کافی نیست نوشته شود حتماً لا اقل ده درصد ارزان تر باشد

اخگر - عرض میکنم نقطه ای که متعلق است بیک مملکتی وقتی که نباشد در بازار دنیا به یک قیمتی فروخته شود البته باید در خود مملکتی که محل نفت است ارزان تر فروخته شود آقای مخبر به بنده فرمودند ممکن

رئیس - پیشنهادی است از آقای کازرونی (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت دوم از ماده دوازده نوشته شود قیمت نفت در ایران علاوه بر قیمتی که در بازار دنیا فروخته میشود علاوه بر کرایه و مخارج حمل و نقل بیست هزار نفر بیشتر (به موجب کتابچه اطلاعات خود کمیانی) از ایرانی نیستند به جهت اینکه در نزد یکی لندن یک شهری برای تصفیه نفت ساخته اند و سه میلیون لیره خرج کرده اند و وقتی بنا باشد مادر این امتیاز نامه تصریح کنیم که تمام عملیات نفت (سوی تجارتش که باید در خارج باشد) از حیث تصفیه و غیره

مخبر - غیره را توضیح بفرمائید

حائری زاده ساختن مخزن لوله کشی و این قبیل بایستی در حدود مملکت خود مان مخزن و کارخانه تصفیه داشته باشد بنده اطلاعاتی ندارم حضرت والا هم تصور نمی کنم اطلاعات کافی داشته باشند باید به متخصصین فنی اش رجوع کرد

مخبر - سئوالی که بنده میکنم برای این نیست که اعتراض را بفهمم

حائری زاده ما باید برای احتیاجات داخلی مان آن کمیانی را مکلف سازیم که کارخانه تصفیه را در مملکت ما بسازد اگر بنا بشود نفت سیاه را حمل کند و بردد آمریکا تصفیه کند این منصفت مانست

باید تمام عملیات نقطه در مملکت بشود این صدی بیست که ما میدهد یک چیز زیادی نیست

پس اینقدر باید تعهد بکنیم که این نقطه را که امروزه محتاج الیه دنیا است و می دهیم بکمیانی برای این است که مردم در سایه عملیات نقطه استفاده بکنند و اگر ما در اینجا فقط منحصراً بکنیم عملیات نفت را بآن مقدار نقطه که در داخله مملکت مصرف میشود ممکن است همانطور نفت سیاه را بار کنند و ببرند در جای دیگر تصفیه کنند و این به صرف ما نیست

این است که جمله که در سطر اول دارد (هر مقدار که در ایران تصفیه و تهیه نماید) این جمله را گفتم حذف شود

ما یک ماده الحاقیه پیش نهاد میکنم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران باشد

مخبر - اینکه بنده از آقای حائری زاده توضیح خواستم تصدماً اعتراض نبود خواستم ببینم عملیات نقطه غیر از تصفیه چه چیز است باید. مطلب را فهمید و جواب داد و بالاخره از توضیحی که دادند بنده این طور فهمیدم که مقصودشان همان تصفیه است چیز دیگری نیست گفتند چرا قید والتزام محدود شده است بخواج داخلی ایران که چرا نفت سیاه مستخرج از

ضرر دارد برای ما چنانچه در موضوع نفت جنوب خساراتی متوجه ما شده است و ملتفت شده ایم که بواسطه عملیات نقطه است در خارج ایران و آن استفاده که ما از امتیاز نفت باید بکنیم نمیکند یعنی مردم آن استفاده را از نفت جنوب نمیکند شصت هزار نفر عملاً مشغول کار است ولی بیست هزار نفر بیشتر (به موجب کتابچه اطلاعات خود کمیانی) از ایرانی نیستند به جهت اینکه در نزد یکی لندن یک شهری برای تصفیه نفت ساخته اند و سه میلیون لیره خرج کرده اند و وقتی بنا باشد مادر این امتیاز نامه تصریح کنیم که تمام عملیات نفت (سوی تجارتش که باید در خارج باشد) از حیث تصفیه و غیره

مخبر - غیره را توضیح بفرمائید

حائری زاده ساختن مخزن لوله کشی و این قبیل بایستی در حدود مملکت خود مان مخزن و کارخانه تصفیه داشته باشد بنده اطلاعاتی ندارم حضرت والا هم تصور نمی کنم اطلاعات کافی داشته باشند باید به متخصصین فنی اش رجوع کرد

مخبر - سئوالی که بنده میکنم برای این نیست که اعتراض را بفهمم

حائری زاده ما باید برای احتیاجات داخلی مان آن کمیانی را مکلف سازیم که کارخانه تصفیه را در مملکت ما بسازد اگر بنا بشود نفت سیاه را حمل کند و بردد آمریکا تصفیه کند این منصفت مانست

باید تمام عملیات نقطه در مملکت بشود این صدی بیست که ما میدهد یک چیز زیادی نیست

پس اینقدر باید تعهد بکنیم که این نقطه را که امروزه محتاج الیه دنیا است و می دهیم بکمیانی برای این است که مردم در سایه عملیات نقطه استفاده بکنند و اگر ما در اینجا فقط منحصراً بکنیم عملیات نفت را بآن مقدار نقطه که در داخله مملکت مصرف میشود ممکن است همانطور نفت سیاه را بار کنند و ببرند در جای دیگر تصفیه کنند و این به صرف ما نیست

این است که جمله که در سطر اول دارد (هر مقدار که در ایران تصفیه و تهیه نماید) این جمله را گفتم حذف شود

ما یک ماده الحاقیه پیش نهاد میکنم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران باشد

مخبر - اینکه بنده از آقای حائری زاده توضیح خواستم تصدماً اعتراض نبود خواستم ببینم عملیات نقطه غیر از تصفیه چه چیز است باید. مطلب را فهمید و جواب داد و بالاخره از توضیحی که دادند بنده این طور فهمیدم که مقصودشان همان تصفیه است چیز دیگری نیست گفتند چرا قید والتزام محدود شده است بخواج داخلی ایران که چرا نفت سیاه مستخرج از

معدن ایران تماماً در ایران تصفیه نمیشود و بعد نفت تصفیه شده از اینجا حمل برای فروش بشود و البته از برای این نظریه خودشان یک محاسنی ذکر میفرمایند که آن محاسن هم اگر ممکن بود خیلی خوب بود اما می خواهم ببینم این مسئله عملی است یا نه این را باید در نظر داشت که معامله همیشه دو طرف دارد و هر دو طرف باید صرفه خودشان را بخواهند و از معارضه بین این دو صرفه یک حد اعتدالی حاصل میشود و آن اندازه حد اعتدالی که پیدا شد آن باید معین شود بدون اینکه طرفین به هم دیگر یک اجحافاتی بکنند این که ما اینجا با کمیانی گذاردیم از برای پیدا کردن این حد اعتدال بود کمیانی نفت جنوب که حالا می مثل میزنیم در امتیاز نامه اش که آقای حائری زاده در آن خیلی مطالعه کرده اند آیا بهیچ جای این امتیاز همچو قیدی را ملاحظه فرموده اید که ولو ده من هم نفت تصفیه نشده را اگر بخواید اینجا تصفیه کند مجبور و ملزم باشد؟ ابتدا همچو قیدی را ندارد حالا ما خواستیم این قید را در این امتیاز نامه بکنیم و کمیانی را مجبور کنیم که در این جا آن میزانی که طرف احتیاج ما هست از نفت و بنزین و سایر مواد نقطه در همین جا تصفیه کند تا آن مقدار نفت تصفیه شده که کارخانجات و دواتر صنعتی ما و افراد مملکت ما از برای احتیاجات شخصی و عمومی می خواهند در همین مملکت تصفیه شده باشد چرا؟

بدو دلیل یکی اینکه این احتیاجات بنظر ما خیلی زیاد است که برای تصفیه کردن آن یک مقدار از نظریه شما که کار کردن مردم این مملکت است تأمین می شود ثانیاً گفتیم که اگر این مقدار نفت در خارج تصفیه نمایند البته برای کمیانی گران تمام خواهد شد و در سایه عملیات نقطه استفاده بکنند و اگر ما در اینجا فقط منحصراً بکنیم عملیات نفت را بآن مقدار نقطه که در داخله مملکت مصرف میشود ممکن است همانطور نفت سیاه را بار کنند و ببرند در جای دیگر تصفیه کنند و این به صرف ما نیست

این است که جمله که در سطر اول دارد (هر مقدار که در ایران تصفیه و تهیه نماید) این جمله را گفتم حذف شود

ما یک ماده الحاقیه پیش نهاد میکنم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران باشد

مخبر - اینکه بنده از آقای حائری زاده توضیح خواستم تصدماً اعتراض نبود خواستم ببینم عملیات نقطه غیر از تصفیه چه چیز است باید. مطلب را فهمید و جواب داد و بالاخره از توضیحی که دادند بنده این طور فهمیدم که مقصودشان همان تصفیه است چیز دیگری نیست گفتند چرا قید والتزام محدود شده است بخواج داخلی ایران که چرا نفت سیاه مستخرج از

حاصل کند البته از آن فوائد متعلق به ما هم هست هم شریک هستیم وهم بایستی متعلق دوات را بدهد

این راهم توضیح میدهم که بازاریا با ذکره تنها نیست بازاریا یعنی پاریس لندن برلن آمریکا ابطالی همه این هاروی هم رفته بازار دنیا هستند و ما نمیتوانیم بگوئیم توی اینجا تصفیه کن از برای اینکه صد نفر همه این جا کار کند تصدیق بفرمائید که این ضررش برای ما بیشتر است چون صدی بیست از عایدات مال دولت است و صدی سی مال ملت است و ما بایستی بگذاریم که کمیانی ضرر بکنند در مقابل یک رقیب بزرگی که در جنوب از برای این درست کرده ایم و بعداً این قیودات را هم ندارد صد شانزدهم میدهد صدی سی هم اهمال نمیدهد نقش راهم مجبور نیست در این جا بفرودد هر جا ذلت می خواهد می فروشد شایک منجور رقب عظیم البته قهری برای او درست کردید آن وقت این کمیانی را این طور مقید میکنید و بکنی در تحت یک زنجیر هائی دستش را می بندید و میدید بدست پهلوان این طور که نمیشود

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد خود آقایان حائری زاده و زعم آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

صدقه قلبی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بطوری که ذیلاً مندرج است قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم علاوه بر تمام مخارج مرقومه در ماده دوازده کمیانی کلیه یک ده یک بیشتر نگیرد

از بابت ربح و منافع و غیره

رئیس - گویا این رده شده باشد برای اینکه بموجب پیشنهادهای سابقه که رد شد این هم رد شده است

پیشنهاد آقای امیر احتشام (شرح ذیل قرائت شد)

برای اجتناب از اطباب و اختلافات حاصله از مشمول این ماده بنده پیشنهاد می نمایم از بعد از بی اله لایحه (امانه برای صدور از ایران) به جای عایدات بعد از آن و قسمت های الف بده نقطه قسمت دو با اصلاح عبارتی ذیل نوشته شود به این ترتیب

۲ - قیمتی که صاحب امتیاز برای مواد راجحه به مصرف داخله ایران معین میکند از قیمتی که صاحب امتیاز در همان تاریخ مواد مزبور حاصله از این امتیاز را در بازار دنیا می فروشد بایستی هفتی پنج درصد ارزان تر باشد ولی هر گاه مالیات و وجوهی در ایران مأخوذ شود بر قیمت فروش در خارج علاوه خواهد شد بهیچ وجه مخارجی که در خارج از ایران تابع فروش مواد مزبور

تعلق میگردد موضوع خواهد شد .
 رئیس - آقا توضیح بدهید .
 امیراحشام - برای اینکه اشکالی در محاسبه پیدا نشود بمدای اینک نفست استخراج شد صدی پنج کمتر از قیمتی که در بازار دنیا فروخته میشود در داخله ایران فروخته شود و مغارجیکه در ایران بر آن تعلق می گیرد بر قیمت آن افزوده شود این طور پیشهاد کردم و این ترتیب برای تفتیش و کنترل خیلی خوبست حالا اگر صد پنج را کم میدانند ممکن است صد هفت باشد و اگر زیاد میدانند ممکن است صد سه بکنند.
 مغیر - این اظهاری را که آقای امیر احتشام فرمودند در بردای نظر خوب تلقی می شود ولی تصور میکنم که اگر در آن دقیق شویم می بینیم بهر صورت نیست و ضررش بیشتر از منفعتش است و در کمیسیون هم یک چنین نظری بود ولی برای احتراز از یک چیزهای پیچیده و مبهمی که بواسطه نداشتن متخصص نشد درست فهمید این بود که بشریبتی که در ماده ملاحظه میفرمائید نوشته حالا اگر یک مدارک و دلایل صحیحی دارید ممکن است بفرمائید .
 رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن اصلاح آقای امیراحشام آقایی که قابل توجه میدانند قیام نمودند (عده معدودی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشهاد آقای رئیس التجار .
 بنده پیشهاد میکنم به اول ماده ۱۲ بعد از کازولین علاوه شود قیرمازو و سایر مواد هیدروکاربور متجانس نفت .
 مغیر - دوباره این پیشهاد را قرائت بفرمائید .
 (مجدداً بشرح فوق قرائت شد)
 مغیر - این علاوه را می پذیرم .
 مدرس - باید از جنس نفت نوشته شود .
 چون جنس و متجانس فرق دارد .
 رئیس - (خطاب به مغیر) این پیشهاد فقط راجع به متجانس و هم چنین نیست چیزهایی دیگر را هم دارد .
 رئیس التجار - اجازه فرمائید بنده توضیح بدهم .
 مقصود بنده این بود همان طوریکه در ماده اول نوشته شده است در این ماده هم بعد از کازولین نوشته شود و تصور نمیکنم از طرف کمیسیون کسی مخالف باشد و نظر کمیسیون هم همین بوده است ولی در این ماده نوشته شده سایر مواد نفتی به این جهت بنده پیشهاد کردم که آن عبارت در این ماده بعد از کلمه کازولین اضافه شود .
 مغیر - می پذیرم .
 رئیس - پیشهاد آقای دامغانی .
 بنده پیشهاد میکنم که در قیمت نفت عبارت است از مزد مملجات و اجزاء و مغارج سوخت و ... و تا آخر الف .
 رئیس - توضیح بدهید .

شریتمه دار دامغانی - عرض میکنم در تمام مواد امتیاز نامه وقتی رجوع کنیم می بینیم که هر جا برله کمیانی است تمام رعایت احتیاط شده است و تکرار هم شده است چنانچه آقای مغیر در دو جلسه قبل فرمودند که تکرار در فرانسسه مستحسن است اما هر جا برله ما است چون در ادبیات ما تکرار قدری مستحسن است اما سگ شده است به این جهت بنده عرض میکنم همان طور که در زبان فرانسه تکرار را مستحسن میدانند در نوشتجاتیکه برله ما است انجام هم تکرار شود و چون آقای مغیر قیمت نفت تصفیه نشده را فقط تعلق دادند بجز مملجات و مغارج سوخت و غیره بنابراین دیگر لفظ من جمله لزومی ندارد و به عقیده بنده باید ساقط شود نوشته شود (قیمت نفت تصفیه نشده عبارت از مزد مملجات و اجزاء و مغارج سوخت و غیره الی آخر ماده)
 پس لفظ من جمله لازم نیست حالا اگر بزرگ چیزهایی است که جزو قیمت نفت تصفیه نشده است و در این جا ذکر نشده است خوب است آقای مغیر توضیح بدهند که غیر از این مغارج مغارج دیگری هم هست و الا لفظ من جمله ساقط شود .
 مغیر - در مرحله اول عرض کردم و یک تذکری داده شد که ماده معدود به این مسائل مذکور نیست اما اینکه فرمودند امثله دیگری را ذکر کنیم بنده نمیتوانم ذکر کنم که چه چیزهایی دیگری هست ولی خواسته اند طرفین محدود نکنند چون ممکن است این جایک چیزهایی دیگری هم پیش بیاید حالا اگر کلمه دیگری نظر آقایان باشد ممکن است بفرمائید شاید بنده هم قبول بکنم .
 شریتمه دار دامغانی - من چون میدانم رد میشود پس میگیرم .
 رئیس - آقای آقا میرزا جواد خان هم در همین زمینه پیشهاد کرده اند .
 مشار اعظم - بنده هم در همین زمینه پیشهاد کرده ام .
 رئیس - ده فقره پیشهاد دیگر است .
 مغیر - بنده میخواستم توضیحی راجع به این اصلاحیکه آقای رئیس التجار پیشهاد کرده بودند عرض کنم با تذکری که به ایشان دادم و آن اصلاح را قبول کردم ولی محل آن اصلاح را باید تغییر داد در قیمت ثانی این ماده در آن قسمتی که مینویسد (دولت و سگنه ایران حق خواهند داشت که در کارخانه تصفیه یا در مغز نهائی صاحب امتیاز تأسیس کنند نفت تصفیه شده گروزی بنزین کازولین و مازوت و نفت تصفیه نشده و سایر مواد مستخرجه از نفت .
 بجای سایر مواد مستخرجه از نفت) بر طبق پیشهاد ایشان بنده قبول کردم که نوشته شود سایر مواد هیدروکاربور متجانس نفت و علت اینکه محلس را تغییر دادیم برای این است که قسمت اول ماده راجع است به

تصفیه و این مواد هیچکدام قیر و مازوت جزء آنها نیست و ذکرش باید در قسمت ثانی بشود و در این جا فقط مواد قابل تصفیه ذکر میشود .
 رئیس - پیشهاد آقای میرزا جواد خان .
 اینطور قرائت شد بنده پیشهاد میکنم که عبارت (در قیمت نفت تصفیه نشده من جمله باید مغارج ذیل منظور شود) به عبارت ذیل تبدیل شود .
 (قیمت نفت تصفیه نشده عبارت از مغارج ذیل خواهد بود)
 رئیس - آقای آقا میرزا جواد خان اجازه .
 آقا میرزا جواد خان - چون آقای مغیر در ضمن جوابهایی که با آقای اخگر دادند در این موضوع فرمودند که قیمت نفت در قسمت دوم الف تصریح شده و در آنجا یک کلمه من جمله نوشته شده است که خیلی چیزها را متضمن خواهد بود .
 بنابراین بنده پیشهاد میکنم که این کلمه از اینجا برداشته شود و بجای آن نوشته شود : عبارت از مغارج ذیل خواهد بود .
 مغیر - گویا برداشد .
 رئیس - آن یکی را آقای شریتمه دار دامغانی پس گرفتند .
 مغیر - پس این را موکول برای مجلس میکنم .
 رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن آن آقایی که این پیشهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید .
 عده قلیلی قیام نمودند .
 آقای مشار اعظم .
 به تفصیل ذیل قرائت شد بنده پیشهاد میکنم نوشته شود مغارجی که در قیمت نفت تصفیه نشده منظور میشود از این قبیل خواهد بود .
 رئیس - آقای مشار اعظم اجازه .
 مشار اعظم - چون خود آقای مغیر با تذکر دادند که ممکن است در این قسمت پیشهادی بشود به این جهت بنده این پیشهاد را کردم . آقای مغیر توجه فرمودید ؟
 مغیر - مجدداً خوانده شود .
 قرائت شد مشار اعظم - چون کلمه من جمله را خودشان متذکر شده بودند که ممکن است تغییر داد .
 به این جهت این یک اصلاح عبارتی بود که بنده پیشهاد کردم .
 حالا اگر قبول می کنند و الا بنده مسترد میدارم .
 مغیر - اجازه میفرمائید با فرانسه یک تطبیقی بکنم .

رئیس - چون با نژده فقره اصلاح در هم هست چند دقیقه تنفس میشود .
 در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل میشود پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .
 رئیس پیشهاد دیگری از آقای آقا شیخ هادی شیخ الرئیس شده است قرائت میشود هر کدام مناسب بود رأی گرفته میشود .
 بشرح ذیل قرائت شد بنده پیشهاد میکنم کلمه من جمله حذف شود و این طور اصلاح شود .
 در قیمت نفت تصفیه نشده عبارت از مغارج ذیل هم منظور شود .
 مغیر - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که آقای مشار اعظم هم یک پیشهادی در این زمینه داده بودند و در موقع تنفس در کمیسیون خیلی دقت کردیم و این پیشهاد را با فرانسه آن تطبیق کردیم و دیدیم من جمله که در خود قانون نوشته از تمام این عبارات بهتر است و مقصود را بهتر میرساند .
 به این جهت گمان میکنم آقایان بهمان من جمله که نوشته شده قناعت کنند بهتر است .
 آقا شیخ هادی شیخ الرئیس - پس میگیرم .
 رئیس - پیشهاد آقای شیروانی قرائت میشود .
 بشرح ذیل خوانده شد بنده اصلاحات ذیل را پیشهاد میکنم .
 اولاً جمله بین الهالین امانه برای صدور از ایران حذف شود .
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - این ترتیب به عقیده بنده به کلی تجارت نفت ایرانی را با خارجه منع می کند برای اینکه در بین الهالین عبارت نوشته شده اما نه برای صدور از ایران این عبارت بکلی مانع از تجارت میشود زیرا ممکن است بنده یک مقداری نفت از کمیانی نفت جنوب بخرم نفت هم که هلامت ندارد که معلوم شود از این کمیانی است یا از کمیانی نفت شمال خریدم و بخواهم به خارجه حمل کنم به موجب این عبارت که در بین الهالین نوشته شده نمیتوانم به این جهت این است که بنده مستعدم که این جمله حذف شود .
 مغیر - حذف این جمله را بنده نمیتوانم قبول کنم علت آن هم خیلی واضح است برای نفتی است که برای رفع حوائج داخلی ایران است نه برای تجارت باید همیشه از روی قیمت بازار خریده شود و نمی شود تصفیه کرد که این نفت را اینجا به این قیمت بخرند و از خارجه ارزان تر بفرشند و با خود کمیانی رقابت کنند .
 برای تجارت هم میتوانند نفت از کمیانی بخرند امانه به قیمتی که برای رفع حوائج داخلی معین شده .
 رئیس - رأی میگیریم به قابل

بودن این قسمت آقاییکه این قسمت را قابل توجه میدانند قیام فرمائید .
 (عده قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . قسمت دوم قرائت میشود .
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ثانیاً در سطر سیزده بجای (بارعایت نکات ذیل) نوشته شود (از قرار تفصیل ذیل) .
 شیروانی - بفرمائید قسمت ثالث را هم قرائت کنند .
 (اینطور قرائت شد)
 ثالثاً در سطر ۱۵ بعد از (قیمت نفت تصفیه نشده) اضافه (شود عبارت از)
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی . آقای مغیر و آقای تدین اینطور توضیح دادند که نفت وقتی که در زیر زمین است قیمت ندارد و وقتی که حفر میشود مغارج حفر و تصفیه تمام اینها ضمیمه می شود و از روی آن قیمت را معین میکنند آنوقت این عبارت (بارعایت نکات ذیل) آن را تأمین نمیکند .
 ولی (از قرار تفصیل ذیل) اگر نوشته شود بهتر است و الا در اینجا خود نفت تصفیه نشده را یک قیمت برایش معین کرده اند و آن مغارجی هم که با آن تعلق میگیرد آنرا هم روی قیمت آن ضمیمه میکنند .
 مغیر - هم چه چیزی نیست شیروانی - اینطور که بنده پیشهاد کرده ام یک قیمت بیشتر پیدا نمیکند .
 مغیر - نفت تصفیه نشده یک مغارجی بر آن تعلق میگیرد تا استخراج شود این مرحله اول است و یک مغارجی هم بر این نفت تصفیه نشده تعلق میگیرد تا اینکه بکارخانه برود این مرحله ثانی و یک مغارجی هم برای تصفیه بنان تعلق میگیرد این مرحله ثالث و یک مغارجی هم برای فروش در ایران بنان تعلق میگیرد اینها یک مغارجی است که در ضمن عمل و در ضمن تفتیش و صحت ستمش معین میشود اینها مغارج مراحل تصفیه است که ذکر شده ذکرش هم برای این است که اگر بخواهد یک مغارجی را بر آن اضافه کند که نظایر آن در اینجا ذکر نشده باشد ما قبول نخواهیم کرد زیرا آنچه که ذکر شده است از برای معدود کردن این مغارج است پس اگر ما این اصلاحی را که ایشان پیشهاد کردند قبول کنیم نه مزد عملی جطور برای کمیانی صرف نمیکند .
 رئیس - باید مختصر بفرمائید زعمیم - اطاعت میکنم چون آقای رئیس ماده نود و هفت را تذکر دادند بیش از این چیزی عرض نمیکنم و تصور نمیکنم برای کمیانی هم مضر باشد ولی برای ما کاملاً مفید است و اگر بنا باشد تصفیه نفت در خارجه

اصلاح شود .
 صاحب امتیاز مکلف است که کلیه عملیات نفتی را اعم از تصفیه و غیره در ایران انجام نماید ولی برای اینکه بسکنه ایران نفت (گروزی بنزین) و بنزین (کازولین) و سایر مواد نفتی که برای احتیاج آنها لازم است بقیمت معتدلی فروخته شود صاحب امتیاز بشروط ذیل عمل خواهد کرد .
 رئیس - یکی از آقایان توضیح بدهند .
 زعمیم - در دقه اول ما یک پیشهادی کردیم یک قسمت از این مطالب را که در این پیشهاد نشانوی نوشته ایم شامل بود .
 ولی چون مطلب اساسی است باین جهت بشریبتی که ملاحظه فرمودید واضعتر و روشن تر مجدداً پیشهاد شد و مخصوصاً بیاناتی که آقای مغیر فرمودند بیشتر بنده را وادار کرد که این پیشهاد بشود برای اینکه فرمایشات و بیانات ایشان بکلی ناقص و مغالطه با چیزهایی است که در خارجه مشهور است .
 مثلاً در خارجه اینطور مشهور است که وقتی این کمیانی عملش گذشت سرمایه در این مملکت زیاد میشود و کاروشنل برای همه پیدا میشود .
 در صورتیکه تصفیه نفت از مملکت ما خارج نشود چون ۲ قسم سرمایه هست که ما خیال کردیم بایران جلب کنیم یکی استخر اج و بیرون آوردن نفت و لوله کشیدن است .
 یکی هم مغارج تصفیه است که صنعت آن است .
 آقای مغیر متمسک شدند باینکه معامله باید مرض الطرفین باشد بنده هم به همان دلیل عرض میکنم که خوب است تصفیه نفت از هر جهت در داخله ایران باشد چرا ؟
 برای اینکه نظر اصلی ما از دادن این امتیاز این بود که جلب سرمایه خارجی شده باشد و ایادی بی کار مشغول کار شوند .
 آقای مغیر میفرمایند برای کمیانی من نمیفهمم چطور صرف نمیکند در مملکت ما پارچه را با دست میبافند باین حال از پارچه های اروپایی ارزان تر است بنابراین مغارج تصفیه هم باین ایادی بی کاری که ما این جا داریم و با ارزان بودن مزد عملی جطور برای کمیانی صرف نمیکند .
 رئیس - باید مختصر بفرمائید زعمیم - اطاعت میکنم چون آقای رئیس ماده نود و هفت را تذکر دادند بیش از این چیزی عرض نمیکنم و تصور نمیکنم برای کمیانی هم مضر باشد ولی برای ما کاملاً مفید است و اگر بنا باشد تصفیه نفت در خارجه

از ایران بشود آن نظر اصلی ما که جلب سرمایه خارجی باشد تأمین نمی شود در کمیانی نفت جنوب هم باینکه آن ایام وقت های امروزی را نمیکردند این مسئله منظور شده که عملیات نفت بدست کارگران و عملیات ایرانی انجام بدهند سواى متخصصین که ناچار بوده اند از خارجه بیاورند .
 مغیر - بنده توضیحات کافی و مفصلی راجع به این موضوع دادم و تکرار آن ها را هم زائد میدانم فقط به آقای نماینده محترم تذکر می دهم که مغیر کمیسیون و مجلس مسئول تبلیغات خارج نیست بلکه مسئول این هستند یک مطلبی که تحت نظر آن ها گذاشته می شود از روی صحت و مطابق با صرفه مملکت حل شود .
 بنده داخل تنقید یا تعریف تبلیغات خارج نمیشوم اما اینکه فرمودند صرفه دار خودتان تصدیق میفرمائید برای تاجر هر کار صرفه داشته باشد همان کار را میکند اگر صرفه داشته باشد تمام تصفیه نفتش را اینجا میکند و اگر صرفه نداشت نمیکند .
 ما آمده ایم و در اینجا قید کردیم مقدار نفتی که برای مصرف داخله ایران لازم است باید در همین جا تصفیه کند حالا اگر صرفه داشت ما بقا را هم در این جا تصفیه خواهد کرد .
 رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن اصلاح آقایان حائری زاده و زعمیم آقایی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشهاد شایخ الرئیس (باین ترتیب خوانده شد)
 بنده پیشهاد میکنم کلمه مجموع اضافه شود (در مجموع قطعات چهار گانه)
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)
 شیخ الرئیس - اینجا در این ماده نوشته شده است مشروط بر اینکه در قطعات چهار گانه مواد نفتی بقدر کفایت یافت شود به عقیده بنده ممکن است تعبیر شود بهر یک از قطعات باین جهت بنده این پیشهاد را کردم و اگر مجموع قطعات چهار گانه نوشته شود بهتر است دیگر اینکه میخواهم با آقای مغیر تذکر بدهم که گاهی میفرمایند کمیانی قبول نمیکند سابقاً چهار ایالت را میگفتند کمیانی قبول نمیکند و بالاخره قبول کرد یا مثل صد شانزده که میفرمودند کمیانی قبول نمیکند و بالاخره قبول کرد و صد بیست شد بنده گمان میکنم که این قسمت را هم کمیانی قبول کند و هیچ اشکالی ندارد و آقایی که در اینجا تشریف دارند بعضی ها هم در دوره سابق بوده اند و میدانند که خیلی مطالب بود که میگفتند کمیانی قبول نمیکند و بالاخره قبول کرد ولی چون میدانم قبول میکنند این پیشهاد را کردم اگر آقای مغیر قبول نمیکند پس میگیرم

رئیس - خارج از موضوع است تدین - پس چرا پیشنهاد کردید مغیر - بنده این پیشنهاد حضرت والا را قبول میکنم ولی فرمایشات دیگرشان را نمی پذیرم و اعتراض میکنم برای اینکه اگر چه آقای رئیس فرمودند خارج از موضوع است ولی یک خارج از موضوعی است که اگر در این محیط بدی که ما در آن هستیم اظهار نکنیم ممکن است که یک زمانی نه از نقطه نظر شخصی بلکه از نقطه نظر این کاری که ما میخواهیم انجام برسانیم وارد شود .
 اما اینکه میفرمایند که خیلی چیزها بود که کمیانی قبول نمیکرد و بالاخره قبول نکرد بنده بنام کمیسیون و مغیری کمیسیون متعهد هستم که مدافعه کنم از منافع دولت ایران نه منافع کمیانی و اینکه گفته میشود که بنده از نظر رومی که به منافع کمیانی است مدافعه میکنم و گاه گریز از آتش هستم اینطور نیست و برای اینکه با آقایان ثابت شود که اینطور نیست و چون ده یا نژده ماده دیگر هم مانده است بعد از آنکه از جلسه خارج شدیم تقاضا میکنم که یک جلسه منعقد بشود و از برای حفظ حیثیات و شرافت خود اعضاء کمیسیون و مجلس به بنده اجازه بدهند که بعد از این هر اعتراضی که میشود ارجاع بکمیسیون آن را بپذیرم بعد با نماینده کمیانی مذاکره کنیم که دیگر آقایان نفرمایند چون نرفتند و با نماینده کمیانی مذاکره نکردند و باین جهت قبول نکردند و اگر میرفتند و با کمیانی مذاکره میکردند ممکن بود قبول بکنند بنابراین از نقطه نظر حفظ حیثیات و شرافت شخصی و از نقطه نظر حفظ حیثیات مجلس بنده این تقاضا را از کمیسیون خواهم کرد .
 رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس .
 مغیر - بنده قبول کردم .
 رئیس - پیشهاد آقای اخگر (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشهاد میکنم بعد از عبارت توسط صاحب امتیاز (سطر ۲) نوشته شود با اطلاع دولت ایران .
 رئیس - (خطاب به اخگر) توضیح بدهید .
 اخگر - سابقاً عرض کردم که در این ماده حساب موافق این ترتیبی که نوشته شد است بتوسط صاحب امتیاز باید تعیین شود صلاح نیست آقای مغیر فرمودند که در تبصره ذکر شده است که دولت حق تفتیش دارد بنده مقصودم از این عبارت این است که حساب بتوسط صاحب امتیاز با اطلاع دولت ایران باشد که هر موقعی که می خواهند تفتیش بکنند الزامی باشد با اطلاع نماینده دولت و صاحب امتیاز قیام نمایند که اچھا و تمهید نشود

رئیس رأی میگیریم به قابل توجه بودن
پیشنهاد آقای اخگر آقایانی که قابل توجه
میدانند قیام فرمایند
(دوسه نفری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای
مدبرالملک
(به تفصیل ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ به
عوض قیمت معتدل این جمله نوشته شود که قیمت
نفت در ایران باید در صدش اقل کمتر
از قیمت بازار دنیا فروخته شود.
رئیس نظیر این پیشنهاد رد شد
گمان اینست این هم رد شود.
مدبرالملک بنده فقط مقصودم از این
پیشنهاد این است که رعایت حال ایرانی
ها شده باشد زیرا در اینجا بقدری مخارج
و اشکال تراشیده شده است که کمیسیون
معتقد و متشبث شده است باینکه بیشتر از
قیمت بازار دنیا نباشد
بالاخره می فهماند که آن مخارج
جزئی که در تعقیب این ماده است بقدری
زیاد میشده است که مجبور کرده است
کمیسیون را بیک کلمه پس در این
صورت وقتی که قسمت الف ماده ۱۲ را لغو
میکند بهتر این است که مایک چیزی را
قائل بشویم که یک منفعتی برای ایرانی
داشته باشد و اقل صدش صد چهارصد
دو کمتر از قیمت سایر جاها به ایرانی
بفروشد.

رئیس رأی میگیریم بقابل توجه بودن
این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند
قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس قابل توجه نشد.

هشت فقره اصلاح هم از طرف
آقای کی استوان رسیده ولی ایشان غائبند
و گمان می کنم شخص غائب نتواند اصلاحی
پیشنهاد کند.

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس رأی می گیریم بماده ۱۲ با
اصلاحاتی که شده است یعنی در سطر سوم
لفظ مجموع قبل از قطعات چهار گانه اضافه
میشود و در سطر پانزده لفظ و غیره زده
میشود.

پیشنهاد آقای رئیس التجار هم که
قبول شده است گویا در سطر هشتم بعد
از لفظ مازوت و نفت تصفیه نشده باید اضافه
شود این قسمت قرائت میشود.
(بشرح ذیل قرائت شد)

دولت وسکنه ایران حق خواهند
داشت که در کارخانه تصفیه یا در مخزن هائی
که صاحب امتیاز تاسیس کند نفت تصفیه
شده (کروزین) بنزین (کازولین و مازوت)
و نفت تصفیه نشده و سایر مواد هیدرو کار
بور متجانس نفت در صورتیکه در قطعات
چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف
داخله لازم باشد یافت شود (امانه برای
صدور از ایران)

رئیس - مقصود همین بود (صحیح

است) رأی گرفته میشود بماده ۱۲ با این
سه فقره اصلاح.

آقایانیکه ماده ۱۲ را تصویب می
کنند قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. اگر اجازه
میفرمائید جلسه را ختم کنیم.
(نمایندگان صحیح است)

جلسه آتیه روز سه شنبه چهار ساعت
قبل از ظهر دستور هم لایحه نفت است
بایشهاد آقای معمدولی میرزا یعنی لایحه
یک دوازدهم دولت راجع بحقوق برج
سرطان آقای دامغانی.

(اجازه)

دامغانی - مدتها است که سؤالاتی از
آقایان وزراء مخصوصا از آقای وزیر
مالیه شده استدعا می کنم مقرر فرمائید
آقای وزیر مالیه تشریف بیاورند و جواب
سؤالات را بدهند.

رئیس تذکر داده میشود. آقای
دولت آبادی
(اجازه)

حاج میرزا یحیی دولت آبادی - اگر
ممکن است برای جلسه آتیه راجع بشیخ
صادق مفلوج مذاکره بشود.
رئیس آن هم جزو دستور گذاشته
میشود. آقای معمدولی میرزا
(اجازه)

محمودولی میرزا عرض بنده همان
بود که فرمودید.
رئیس آقای مدبرالملک
(اجازه)

مدبرالملک بنده خواستم عرض کنم
که آن نسخه را بفرمائید زودتر طبع
کنند.
زیرا که حقیقتاً اساس لایحه همان
نسخه فرانسه است.

رئیس - مشغول طبع هستند.
پیشنهاد آقای نظام التولیه قرائت
می شود.

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه
امتیاز نفت زودتر بگذرد جلسات در
هفته پنج روز تشکیل شود.

(جمعی از نمایندگان - رد شده
است)

رئیس - عده کافی نیست والا رأی
گرفته میشود.

(مجلس یک ساعت بعد از ظهر
ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملک

منشی - معظم السلطان - شهاب